

اردیبهشت ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۲۱۷

کارکردها و مؤلفه‌های مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه مبتنی بر تجارب کشورها



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۲۱۷

کد موضوعی: ۲۳۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: کارکردها و مؤلفه‌های مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه مبتنی بر
تجارب کشورها

نام دفتر: مطالعات بخش عمومی (گروه مالیه عمومی)

تهیه و تدوین کنندگان: هادی ترابی‌فر، سعید تجریشی، مهدی سرمست

اظهار نظر کننده: محمدجواد شریف‌زاده

ناظران علمی: سیدعلی روحانی، سیدعباس پرهیزکاری

واژه‌های کلیدی:

۱. مالیات بر عایدی سرمایه

۲. CGT

۳. کنترل سوداگری

۴. فعالیت‌های غیرمولد

۵. قفل‌شدگی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۲/۲۵

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۳	تعریف اصطلاحات
۴	مقدمه
۴	۱. معرفی مالیات بر عایدی سرمایه
۵	۲. کارکردهای وضع مالیات بر عایدی سرمایه
۵	۲-۱. کاهش انگیزه سوداگری
۷	۲-۲. تأمین درآمد دولت
۸	۲-۳. ترغیب بنگاه‌ها به تأمین مالی داخلی
۹	۲-۴. ارتقای عدالت افقی و عمودی
۹	۲-۵. ارتقای کارایی (با ملاحظه اثر قفل‌شدگی)
۱۰	۳. پارامترهای مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه
۱۱	۳-۱. درآمد مشمول مالیات
۱۲	۳-۲. دوره نگهداری
۱۳	۳-۳. تعدیل عایدی سرمایه نسبت به تورم
۱۵	۳-۴. نرخ مالیات
۱۸	۳-۵. مسئله زیان
۲۲	۳-۶. به تعویق انداختن بدهی مالیاتی
۲۲	۳-۶-۱. به تعویق انداختن مالیات در یک دارایی
۲۳	۳-۶-۲. به تعویق انداختن مالیات در جایگزینی دارایی
۲۷	۳-۷. نحوه شمول واحدهای مسکونی شخصی
۲۷	۳-۸. مسئله قفل‌شدگی
۲۷	۳-۸-۱. تجربیات کشورهای مختلف برای کاهش اثر قفل‌شدگی
۳۰	۳-۹. بیان نموداری پارامترهای CGT در کشورهای OECD
۳۲	جمع‌بندی
۳۲	منابع و مأخذ



کارکردها و مؤلفه‌های مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه مبتنی بر تجارب کشورها

چکیده

مالیات بر عایدی سرمایه با اهداف مختلفی مانند تنظیم فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی، محدود نمودن سوداگری، افزایش منابع عمومی، ایجاد عدالت اجتماعی و افزایش کارایی اقتصادی وضع می‌شود. فارغ از درآمد اتفاقی، به‌طور کلی افراد درآمد خود را از طریق درآمد حاصل از کار یا درآمد حاصل از سرمایه به‌دست می‌آورند. درآمد حاصل از سرمایه به دو نوع درآمد تقسیم می‌شود: درآمد جاری (سود) سرمایه و عایدی سرمایه. درآمد جاری سرمایه، سود ناشی از سرمایه است که طی دوره تملک دارایی یا سرمایه‌گذاری متناسب با بازدهی سرمایه یا به‌صورت درصد ثابت کسب می‌شود؛ اما عایدی سرمایه درآمدی است که از مابه‌التفاوت قیمت فروش و خرید یک دارایی هنگام فروش آن به‌دست می‌آید. مثلاً سود توزیعی سهام و درآمد حاصل از اجاره یک واحد آپارتمان از جمله درآمدهای جاری سرمایه است که از سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و املاک طی دوره تملک براساس میزان بازدهی یا قرارداد اولیه به‌دست می‌آید؛ حال اگر این دارایی‌ها به فروش برسد، سود به‌دست آمده از آنها که برابر تفاوت قیمت فروش و خرید دارایی است، به‌عنوان عایدی یا زیان سرمایه این دارایی‌ها تلقی می‌شود.

مالیات بر عایدی سرمایه (CGT)، مالیاتی است که بر عایدی حاصل از نقل‌وانتقال (خریدوفروش) دارایی‌های سرمایه‌ای شامل انواع دارایی منقول یا غیرمنقول، مشهود یا نامشهود وضع شود.

• از جمله کارکردهای این پایه مالیاتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **کنترل سوداگری:** افزایش هزینه فعالیت‌های غیرمولد همچون سفته‌بازی و سوداگری در بازار املاک، ارز، سکه و... به‌نحوی که به‌طور مؤثر مزیت خود را از دست بدهند، یکی از اهداف وضع مالیات بر عایدی سرمایه است. درواقع سوداگران در هنگام افزایش قیمت برخی دارایی‌ها و با پیش‌بینی اینکه در آینده قیمت آن دارایی‌ها بیشتر خواهد شد، شروع به خرید این دارایی‌ها می‌کنند و معمولاً پس از یک دوره کوتاه‌مدت دارایی‌ها را با قیمت بالاتر به فروش می‌رسانند؛ اما با وضع این مالیات انگیزه سوداگران برای مبادرت به خریدوفروش دارایی‌ها کاهش می‌یابد و این بازارها تبدیل به بستری آرام برای تقاضای واقعی خانوارها خواهد شد.

۲. **تأمین درآمد دولت:** یکی از مهم‌ترین آثار مالیات بر عایدی سرمایه، کمک به تأمین منابع برای دولت است. مبتنی بر تجارب بسیاری از کشورها وضع مالیات بر عایدی سرمایه موجب افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود. سهم قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی در کشورهای مختلف متعلق به درآمدهای حاصل از مالیات بر عایدی سرمایه است.

۳. **ارتقای عدالت در جامعه:** از جمله نکات قابل توجه درباره وضع مالیات بر عایدی سرمایه بهبود عدالت افقی و عمودی است. درواقع وضع مالیات بر عایدی سرمایه به رعایت عدالت بین کسانی که درآمد حاصل از نیروی کار کسب می‌کنند و کسانی که عایدی سرمایه دارند کمک می‌کند.

۴. **ترغیب بنگاه‌ها به تأمین مالی داخلی:** مالیات بر عایدی سرمایه در خصوص دارایی سهام، می‌تواند تصمیمات بنگاه‌های اقتصادی خصوصاً در مورد توزیع سود و تأمین مالی را تحت تأثیر قرار دهد. اگر نرخ مالیات بر عایدی سرمایه نسبت به نرخ سود تقسیمی سهام پایین‌تر باشد، شرکت‌ها انگیزه کمتری برای توزیع سود خواهند داشت و به جای آن اقدام به بازخرید سهام خود از بازار می‌کنند. مالیات بر عایدی سرمایه با تغییر دادن هزینه نسبی منابع مختلف تأمین مالی شرکت‌ها (از قبیل بدهی یا انتشار سهام جدید) منجر به تغییر رفتار بنگاه‌ها می‌گردد به نحوی که بنگاه‌ها به تأمین مالی داخلی ترغیب می‌شوند.

۵. **ارتقای کارایی (با توجه به اثر قفل‌شدگی):** یکی از کارکردهای مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) ارتقای کارایی در اقتصاد کشور است؛ زیرا موجب می‌شود سرمایه‌ها به سمت تولید واقعی سوق پیدا کند. البته باید در طراحی این پایه مالیاتی توجه داشت که اثر قفل‌شدگی و انحراف کارایی اتفاق نیفتد. اثر قفل‌شدگی به این معناست که سرمایه‌گذاران، برای به تعویق انداختن، کاهش یا معافیت مالیات، دارایی‌هایشان را بیش از حد بهینه نزد خود نگه می‌دارند و نمی‌فروشند و این فرایند تخصیص و توزیع کارا و بهینه را به خطر می‌اندازد.

• **طراحی پارامترهای مالیات بر عایدی سرمایه نیازمند توجه به ملاحظات مختلفی است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:**

۱. **درآمد مشمول مالیات:** به‌طور کلی عایدی سرمایه برابر است با تفاوت قیمت فروش و قیمت خرید که این تفاوت می‌تواند مثبت یا منفی باشد. عموماً درآمد مشمول مالیات همان عایدی سرمایه است که کشورهای مختلف سه نوع رفتار نسبت به آن دارند؛ عدم شمول، شمول جزئی و شمول کامل. در این گزارش ضمن توضیح موارد مذکور، رفتار مالیاتی هر کشور نسبت به عایدی سرمایه بیان می‌شود.

۲. **دوره نگهداری:** اکثر کشورها معیاری را تحت عنوان مدت نگهداری در نظر می‌گیرند که در صورت نگهداری بیش از مدت تعیین‌شده، میزان مالیات بر عایدی سرمایه از طریق نرخ یا میزان شمولیت کاهش می‌یابد یا به‌طور کلی دارایی مشمول مالیات نمی‌شود. به‌طور کلی دلیل به‌کارگیری این سیاست، حمایت از سرمایه‌گذاری به‌صورت بلندمدت است.

۳. **تعدیل عایدی سرمایه نسبت به تورم:** برخی بر این باورند که عایدی حقیقی باید مشمول مالیات قرار گیرد و برخی معتقدند که باید عایدی اسمی مشمول مالیات باشد. به‌طور کلی دسته اول بر این موضوع تأکید دارند که چون صرفاً عایدی اسمی دارایی متناسب با تورم افزایش یافته و تغییری در قدرت خرید او ایجاد نشده است، نباید عایدی اسمی مبنای اخذ مالیات باشد. از طرف دیگر دسته دوم تعدیل عایدی نسبت به تورم را باعث خدشه در عدالت مالیاتی می‌دانند؛ چراکه برخلاف طبقات پایین درآمدی که سهم عمده درآمدهای آنها حاصل از کار است، بخش بزرگی از درآمدهای طبقات بالای درآمدی را درآمد سرمایه تشکیل می‌دهد؛ در نتیجه تعدیل عایدی نسبت به تورم بیشتر طبقات بالای درآمدی را منتفع می‌سازد و عدالت افقی و عمودی در نظام مالیاتی را خدشه‌دار می‌کند.

۴. **نرخ مالیات:** تعیین نرخ مالیات بر عایدی سرمایه، تحت الگوی مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی یا مالیات بر عایدی سرمایه به‌صورت جداگانه، می‌تواند تأثیر مهمی بر برنامه و رفتارهای مالیاتی افراد داشته باشد. مثلاً تنظیم نرخ مالیات بر عایدی سرمایه بالاتر یا کمتر از نرخ مالیات بر بهره بانکی یا سود توزیعی سهام می‌تواند نقش



مؤثری بر تصمیمات سرمایه‌گذاری افراد داشته باشد.

۵. مسئله زیان: یکی از مهم‌ترین مسائل در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه توجه به مسئله زیان سرمایه است که کشورهای مختلف، رفتار مالیاتی متفاوتی نسبت به آن اتخاذ کرده‌اند و معمولاً آن را از عایدی سرمایه یا سایر درآمدها کسر می‌کنند.

۶. به تعویق انداختن بدهی مالیاتی: یکی از موضوعات مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه، در نظر گرفتن قواعدی برای به تعویق انداختن پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه در موارد خاص است. این قواعد جهت اهداف مختلفی ایجاد می‌شود که از جمله آنها می‌توان به کمک به مدیریت جریان نقدینگی کسب‌وکارها، از بین بردن موانع برای رشد مشاغل موفق و جلوگیری از تخلیه سرمایه تجاری (سرمایه در گردش) از اقتصاد اشاره کرد که همگی این اهداف موجب کارایی بیشتر در نظام اقتصادی می‌شوند.

۷. نحوه شمول واحدهای مسکونی شخصی: یکی دیگر از ملاحظات مهم در مورد مالیات بر عایدی سرمایه، رفتاری مالیاتی با سکونتگاه افراد است. تعدادی از کشورها به کلی واحدهای مسکونی را به شرط آنکه آن واحد یک دارایی شغلی نباشد یا مرتبط با اهداف شغلی مورد استفاده قرار نگیرد، معاف از مالیات قرار داده‌اند.

تعریف اصطلاحات^۱

عایدی سرمایه (Capital Gain)

میزان افزایش ارزش قیمت فروش یک دارایی نسبت به قیمت خرید آن.

زیان سرمایه (Capital Loss)

میزان کاهش ارزش قیمت فروش یک دارایی نسبت به قیمت خرید آن.

مالیات تعهدی (Taxed on Accrual)

مالیاتی که بر ارزش روز یک دارایی (ارزش بالقوه) طی دوره تملک در بازه‌های زمانی مشخص وضع می‌شود.

مالیات تحقق‌ی (Taxed on Realization)

مالیاتی که بر بازدهی یک دارایی و صرفاً هنگام فروش آن دارایی (عایدی بالفعل دارایی)، وضع می‌شود.

دوره نگهداری (Holding Period Tests)

مدت زمانی است که یک دارایی تحت تملک شخص قرار دارد. معمولاً هرچه مدت نگهداری بیشتر باشد تخفیف‌های مالیاتی بیشتری به مؤدیان تعلق می‌گیرد.

اثر قفل‌شدگی (Lock-in Effect)

به تأخیر انداختن فروش دارایی برای به حداقل رساندن پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه متناسب با تخفیف‌های در نظر گرفته شده در طول مدت نگهداری.

به تعویق انداختن مالیات (Rollover Provisions)

تخفیفی است که موجب می‌شود پرداخت تمام یا بخشی از مالیات بر عایدی سرمایه به تعویق بیفتد.

۱. تعاریف بیان شده برای این اصطلاحات تعاریفی است که در این گزارش به‌کار رفته است. شایان ذکر است در برخی از سایر پژوهش‌های فارسی و لاتین و نیز در نظام‌های مالیاتی کشورهای گوناگون، تعاریف ارائه شده برای برخی از این اصطلاحات تفاوت‌هایی دارد.

مقدمه

پایه‌های مالیاتی با اهداف مختلفی مانند افزایش منابع عمومی، ایجاد عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی و تنظیم فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی به کار گرفته می‌شود. مالیات بر عایدی سرمایه نیز یکی از پایه‌های مالیاتی است که علاوه بر افزایش منابع عمومی، می‌تواند با کاهش جذابیت فعالیت‌های غیرمولد باعث تخصیص بهینه و افزایش سرمایه‌گذاری در تولید شود. همچنین با محدود نمودن عواید سوداگرانه و کاهش شدید تقاضای سوداگری نقش مؤثری در تنظیم بازارهای مختلف از جمله مسکن، خودرو، طلا و ارز ایفا کند. مالیات بر عایدی سرمایه از مهم‌ترین پایه‌های مالیاتی است که از دیرباز (بیش از ۱۰۰ سال) در بسیاری از کشورها وجود داشته است.

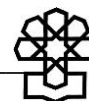
در مورد اصل ضرورت وضع مالیات بر عایدی سرمایه در میان اقتصاددانان و نظریه‌پردازان برجسته مالیه عمومی تقریباً هیچ‌گونه اختلاف نظری وجود ندارد. چراکه براساس دکترین توان پرداخت (به‌عنوان دکترین مورد اجماع مالیاتی از ابتدای قرن بیستم تاکنون) هرگونه عایدی خالص سرمایه باعث افزایش توان پرداخت مؤدیان مالیاتی می‌شود و بنابراین دلیلی برای معافیت آن وجود ندارد. به‌علاوه آنجا که بخش مهم عایدی سرمایه نصیب طبقات بالای درآمدی می‌شود چشم‌پوشی از این مالیات مصداق مسلم تبعیض مالیاتی به زیان اقشار فرودست جامعه است.

در این گزارش سعی شده به کارکردها، ملاحظات و محورهای اصلی در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه، مبتنی بر تجارب سایر کشورها پرداخته شود تا جهت طراحی و قانونگذاری در ایران مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این گزارش از سه بخش اصلی تشکیل شده است؛ در بخش اول به معرفی مالیات بر عایدی سرمایه و تفاوت آن با مالیات بر درآمد جاری سرمایه اشاره شده است. در بخش دوم به کارکردهای وضع مالیات بر عایدی سرمایه از جمله نقش مالیات بر عایدی سرمایه در کاهش پدیده سوداگری، تأمین مالی دولت، ارتقای عدالت، مسئله کارایی و قفل‌شدگی پرداخته شده و در بخش سوم مؤلفه‌ها و محورهای اساسی در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه از جمله نرخ مالیات، دوره نگهداری و مسئله زیان سرمایه، مورد توجه قرار گرفته است.

۱. معرفی مالیات بر عایدی سرمایه

به‌طور عمده درآمد افراد از دو طریق درآمد حاصل از نیروی کار^۱ و درآمد حاصل از سرمایه به‌دست می‌آید. درآمد نیروی کار عمدتاً شامل درآمد حاصل از دستمزد نیروی کار و بخشی از درآمد مشاغل^۲ است. درآمد حاصل از سرمایه به دو نوع درآمد تقسیم می‌شود؛ درآمد جاری سرمایه و درآمد حاصل از عایدی سرمایه.^۳ درآمد جاری سرمایه، درآمد سود ناشی از هزینه فرصت سرمایه است که طی دوره تملک دارایی یا سرمایه‌گذاری متناسب با بازدهی سرمایه یا به‌صورت درصد ثابت کسب می‌شود. مثلاً در نتیجه خرید سهام یک شرکت، در پایان هر سال مالی، سود تقسیمی به دارنده سهم تعلق می‌گیرد؛ یا در صورت خرید ملک می‌توان آن را اجاره داد و ماهیانه درآمد اجاره کسب کرد. اما عایدی

1. Labor Earning
2. Self Employment
3. Capital Gain



سرمایه عبارت است از: مابه‌التفاوت قیمت فروش و خرید یک دارایی؛ در مثال مذکور عایدی سرمایه عبارت است از: عایدی ناشی از تغییر قیمت سهام یا ملک خریداری شده در هنگام فروش دارایی که ممکن است مثبت یا منفی باشد. به همین ترتیب می‌توان درآمد جاری سرمایه و درآمد حاصل از عایدی سرمایه را برای دارایی‌های دیگر در نظر گرفت. مثلاً بهره اوراق قرضه از جمله درآمدهای جاری سرمایه است که به‌صورت ثابت همچون نرخ بهره بانکی به دارنده اوراق پرداخت می‌شود؛ حال اگر این دارایی به فروش برسد، سود به‌دست آمده از آنها که برابر تفاوت قیمت فروش و خرید دارایی است، به‌عنوان عایدی یا زیان سرمایه این دارایی تلقی می‌شود.

بنابراین مالیات بر عایدی سرمایه، مالیاتی است که بر عایدی حاصل از نقل‌وانتقال (خریدوفروش) دارایی‌های سرمایه‌ای شامل انواع دارایی منقول یا غیرمنقول، مشهود یا نامشهود وضع شود. البته همان‌طور که بیان شد زیان سرمایه نیز قابل تصور است که معمولاً نظام‌های مالیاتی در دنیا به آن توجه دارند و رفتار مالیاتی خاصی با آن دارند که در ادامه این گزارش به آن پرداخته می‌شود.

یکی از تفاوت‌های مالیات بر درآمد جاری سرمایه و مالیات بر عایدی سرمایه نحوه و زمان اخذ مالیات است. از بازده جاری دارایی‌ها مثل سود تقسیمی، درآمد اجاره، سود سپرده بانکی یا بهره اوراق قرضه دولتی به‌صورت تعهدی^۱ (پرداخت مالیات در هر دوره مالیاتی) مالیات اخذ می‌شود، اما از عایدی سرمایه معمولاً به‌صورت تحقیقی^۲ (پرداخت مالیات فقط در صورت نقل‌وانتقال دارایی) مالیات اخذ می‌شود. معمولاً اخذ مالیات به‌صورت تحقیقی موجب کاهش بدهی مالیاتی می‌شود. به‌عنوان مثال فرض کنیم که فردی یک ملک به قیمت ۱۰۰ واحد را خریده است که سالیانه ۱۰ درصد ارزش آن افزایش پیدا می‌کند. اگر فرد بخواهد بعد از هفت سال ملک خود را بفروشد ارزش ملک برابر ۱۹۵ واحد خواهد بود، بنابراین درآمد مشمول مالیات برابر ۹۵ واحد خواهد بود که اگر فرض کنیم نرخ مالیات ۲۰ درصد باشد، شخص باید ۱۹ واحد را به‌عنوان مالیات پرداخت کند و در نتیجه ۷۶ واحد برای فرد باقی می‌ماند. حال اگر فرض کنیم این فرد به‌جای خرید ملک، ۱۰۰ واحد خود را در بانک سپرده‌گذاری می‌کرد و بهره بانکی سالیانه ۱۰ درصد باشد، با فرض همان نرخ مالیاتی (۲۰ درصد) وی پس از هفت سال، ۷۱ واحد سود خواهد داشت؛ بنابراین مشخص است که سود فرد پس از مالیات، در حالت تعهدی کمتر از حالت تحقیقی است؛ روشن است که علت این موضوع این است که در حالت تعهدی دولت به‌صورت سالیانه مالیات اخذ می‌کند، اما در حالت تحقیقی دولت پس از هفت سال مالیات را اخذ می‌کند.

۲. کارکردهای وضع مالیات بر عایدی سرمایه

۱-۲. کاهش انگیزه سوداگری

در نظام مالیاتی ایران مالیات نسبتاً بالایی بر تولید و سود شرکت‌ها و مشاغل وضع می‌شود، ولی سوداگران بازارهای ارز، سکه، زمین و مسکن و... مالیاتی نمی‌دهند. این واقعیت تلخ موجب شده برخی افراد صاحب سرمایه که می‌خواهند اقدام به سرمایه‌گذاری کنند، به‌جای تولید واقعی، راه سوداگری و فعالیت‌های غیرمولد را در پیش گیرند. با توجه به

1. Taxed on Accrual
2. Taxed on Realization

آنکه در اغلب اوقات، عواید سفته‌بازی در ایران، از میانگین سود بسیاری از فعالیت‌های تولیدی بیشتر است، این مسئله باعث شده سرمایه‌های زیادی به سوی فعالیت‌های غیرمولد منحرف و از بخش‌های مولد و تولیدی خارج شود.

مهم‌ترین ابزار مالیاتی برای کنترل سوداگری، مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) است. وضع CGT می‌تواند موجب کاهش حاشیه سود فعالیت‌های سوداگرانه در مقایسه با تولید واقعی شود؛ در نتیجه فعال اقتصادی به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیرمولد در فعالیت‌های مولد سرمایه‌گذاری می‌کند. بنابراین از فواید وضع مالیات بر عایدی سرمایه کنترل سوداگری، کاهش جذابیت فعالیت‌های غیرمولد و افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در تولید واقعی است.

افزایش هزینه فعالیت‌های غیرمولد همچون سفته‌بازی و سوداگری در بازار املاک، ارز، سکه و... به نحوی که به‌طور مؤثر مزیت خود را از دست بدهند، یکی از اهداف وضع مالیات بر عایدی سرمایه است. در واقع سوداگران در هنگام افزایش قیمت برخی دارایی‌ها و با پیش‌بینی اینکه در آینده قیمت آن دارایی‌ها بیشتر خواهد شد، شروع به خرید این دارایی‌ها می‌کنند و معمولاً پس از یک دوره کوتاه‌مدت دارایی‌ها را با قیمت بالاتر به فروش می‌رسانند؛ اما با وضع این مالیات انگیزه سوداگران برای مبادرت به خرید و فروش دارایی‌ها کاهش می‌یابد. از طرف دیگر سوداگری می‌تواند به‌عنوان رقیب فعالیت‌های مولد باشد به طوری که یکی از راه‌های حمایت از تولید باید سیاست‌گذاری در جهت کاهش انگیزه‌های سوداگرانه باشد و این بازارها تبدیل به بستری آرام برای تقاضای واقعی خانوارها خواهد شد.

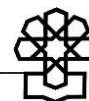
سوداگری معمولاً از مختصات کشورهای در حال توسعه است. دلیل عمده سوداگری در برخی از دارایی‌ها به‌خصوص املاک، مسئله تورم است؛ از ویژگی‌های قابل توجه قیمت املاک در یک دوره تورمی این است که قیمت آنها بسیار سریع‌تر از شاخص عمومی قیمت افزایش می‌یابد. به‌عنوان مثال در شیلی در سال ۱۹۶۳ متوسط شاخص قیمت (۱۰۰ = سال ۱۹۵۵) فروش املاک ثبت‌شده به ۸۶۵ رسید در حالی که شاخص قیمت عمده‌فروشی ۶۷۱ بود. در کلمبیا نیز در سال ۱۹۶۵ متوسط شاخص قیمت (۱۰۰ = سال ۱۹۵۵) فروش املاک ثبت‌شده ۶۱۵ بود در حالی که شاخص قیمت عمده‌فروشی ۳۱۷ بود. در ایران نیز طبق داده‌های مرکز آمار و بانک مرکزی، از سال ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۰، «شاخص قیمت مصرف‌کننده» ۴۶/۷ برابر شده است در حالی که «متوسط قیمت فروش یک مترمربع زیربنای مسکونی در تهران» طی همین دوره ۳۵۵/۸ برابر شده است. (داده‌های مرکز آمار و بانک مرکزی، ۱۴۰۱)

عامل اصلی این مسئله در بسیاری از کشورها وجود تقاضای سرمایه‌ای^۱ عنوان شده است. یعنی املاک و دارایی‌های مدنظر، ماهیت مصرفی خود را از دست می‌دهند و با انگیزه‌های سفته‌بازانه معامله می‌شوند؛ در نتیجه تقاضا بیش از حد افزایش می‌یابد و موجب افزایش شدید قیمت آنها خواهد شد.

وضع مالیات بر عایدی سرمایه برای جلوگیری از فعالیت‌های سوداگرانه است؛ مالیات بر عایدی سرمایه ابزار مناسبی است جهت کاهش کسب سودهای سوداگرانه. در بسیاری کشورها وضع مالیات بر عایدی سرمایه موجب شد سوداگران به بن‌بست بخورند. به همین دلیل بسیاری از کشورهای دیگر مثل کلمبیا، غنا و کره با هدف کاهش سوداگری مبادرت به وضع مالیات بر عایدی سرمایه کردند.^۲

1. Demand for Value-Accumulating Capital

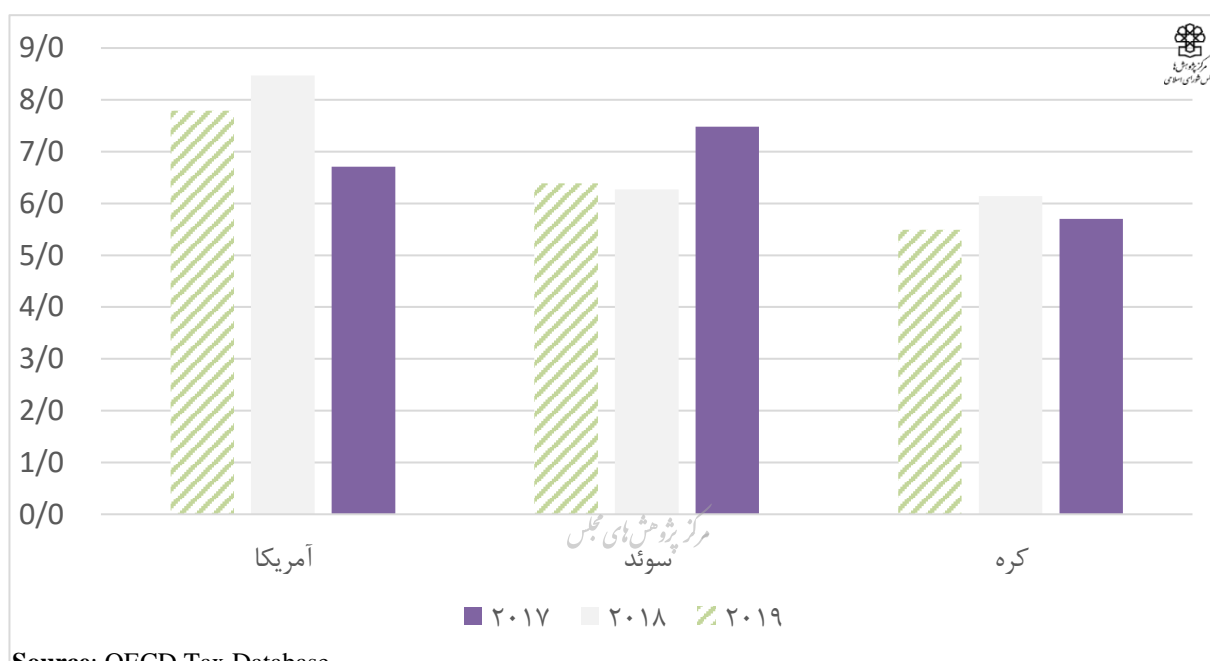
2. Amatong, J. D. (1968). Taxation of Capital Gains in Developing Countries, IMF Staff Papers, 1968 (002).



۲-۲. تأمین درآمد دولت

یکی از مهم‌ترین آثار مالیات بر عایدی سرمایه، تأمین درآمدهای دولت است. مبتنی بر تجارب بسیاری از کشورها وضع مالیات بر عایدی سرمایه موجب افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود. از آنجاکه در بسیاری از کشورها مالیات بر عایدی سرمایه متصل به الگوی مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی (PIT) است، لذا آمار دقیقی از سهم درآمدهای مربوط به مالیات بر عایدی سرمایه در گزارش سازمان‌های بین‌المللی وجود ندارد. اما با توجه به اطلاعات موجود درباره سه کشور آمریکا، سوئد و کره، سهم مالیات بر عایدی سرمایه نسبت به کل درآمدهای مالیاتی دولت مرکزی در این کشورها مطابق نمودار زیر است.

نمودار ۱. سهم مالیات بر عایدی سرمایه نسبت به کل درآمدهای مالیاتی دولت مرکزی



Source: OECD Tax Database.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بخش قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی در این کشورها مربوط به درآمد مالیات بر عایدی سرمایه است؛ بنابراین هدف درآمدی در وضع مالیات بر مجموع درآمد حائز اهمیت است. ذکر این نکته ضروری است که گاهی هدف تأمین درآمد دولت (درآمدی) با هدف کنترل سوداگری (تنظیم‌گری) در تعارض هستند. به‌عنوان نمونه اگر نرخ مالیات بر عایدی سرمایه پایین باشد یا عایدی تمام دارایی‌ها (با هر مدت نگهداری) نسبت به تورم تعدیل شود، دیگر این مالیات بازدارنده نخواهد بود؛ در نتیجه سوداگران به فعالیت‌های سفته‌بازانه خود ادامه می‌دهند و دولت از این محل درآمد مالیاتی خواهد داشت. ولی چنانچه نرخ مالیات بر عایدی سرمایه به شدت بالا باشد و عایدی نسبت به تورم تعدیل نشود، کمتر کسی اقدام به سوداگری و سفته‌بازی می‌کند؛ دولت هم به دلیل کاهش فعالیت‌های سفته‌بازی نمی‌تواند درآمد قابل توجهی از این محل کسب کند.

۳-۲. ترغیب بنگاه‌ها به تأمین مالی داخلی

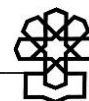
مالیات بر عایدی سرمایه در خصوص دارایی سهام، می‌تواند تصمیمات بنگاه‌های اقتصادی به خصوص در مورد توزیع سود و تأمین مالی داخلی را تحت تأثیر قرار دهد. اگر نرخ مالیات بر عایدی سرمایه نسبت به نرخ مالیات بر سود تقسیمی سهام پایین‌تر باشد، شرکت‌ها انگیزه کمتری برای توزیع سود خواهند داشت و به جای آن اقدام به بازخرید سهام^۱ خود از بازار می‌کنند. مالیات بر عایدی سرمایه با تغییر دادن هزینه نسبی منابع مختلف تأمین مالی شرکت‌ها (از قبیل بدهی یا انتشار سهام جدید) منجر به تغییر رفتار بنگاه‌ها می‌گردد.

قبلاً در آمریکا این نگرانی وجود داشت که مالیات بر عایدی سهام شرکت‌ها منجر به مالیات مضاعف بر سود شرکت‌ها می‌شود و در نتیجه انگیزه شرکت‌ها از تأمین مالی با انتشار سهام را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، اعمال مالیات بر عایدی سرمایه با نرخ‌هایی پایین‌تر نسبت به مالیات سود تقسیمی، منجر به تشویق شرکت‌ها به بازخرید سهام به جای توزیع سود نقدی می‌شود. به دلیل این مسائل، در آمریکا نرخ مالیات سود تقسیمی و عایدی سرمایه در سال‌های اخیر کاهش پیدا کرده و به مقدار برابری رسیده است که منجر به تشویق بازخرید سهام در برابر تقسیم سود نشود؛ چراکه در قانون قبلی، عایدی سرمایه با نرخ کمتری نسبت به سود تقسیمی مشمول بوده است. همچنین این اصلاحات منجر به کاهش مزیت مالیاتی تأمین مالی از طریق بدهی نسبت به تأمین مالی از طریق سهام شده است.^۲

در سوئد نیز در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی به منظور حمایت از شرکت‌ها، مالیات مضاعف درآمد شرکت‌ها کاهش یافت، به گونه‌ای که تفاوتی بین درآمد حاصل از بهره و سود تقسیمی وجود نداشته باشد. به همین منظور نرخ مالیات بر سود تقسیمی در این کشور در آن سال‌ها برابر صفر قرار داده شده و صرفاً یک‌بار درآمد شرکت مشمول مالیات قرار می‌گرفت. این مسئله منجر به افزایش انگیزه شرکت‌ها برای تقسیم سود نقدی شده بود، اما مالیات مضاعفی در خصوص سود تقسیم شده ایجاد نمی‌کرد. اما نظر دولت این کشور این بود که عایدی سرمایه باید مشمول مالیات قرار گیرد. در نهایت در سال ۱۹۹۵ نظام مالیاتی تغییر کرد و تمامی درآمدهای سرمایه‌ای اعم از سود توزیع شده و عایدی سرمایه با نرخ یکسانی مشمول مالیات شدند تا اثرات نامطلوب تبعیض نرخ بر انگیزه شرکت‌ها از بین برود.^۳

سیاستگذاران انگلستان پیش‌بینی کرده‌اند که اثر مالیات بر عایدی سرمایه بر سیاست‌های مالی شرکت‌ها خیلی محدود است. علت این مسئله این است که عایدی بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها از قبیل عایدی‌های ناشی از سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های بازنشستگی و افراد غیرمقیم، از این مالیات معاف است. همچنین به صورت سالیانه نیز مقداری معافیت برای عایدی سرمایه در نظر گرفته شده است که این معافیت نیز، اثر آن بر نحوه تأمین مالی بنگاه را کاهش می‌دهد. یکی از اهداف این معافیت‌ها در انگلستان، تشویق بنگاه‌های کوچک و متوسط به تأمین مالی از طریق سهام است. همچنین طراحی این مالیات در انگلستان به گونه‌ای است که سرمایه‌گذاری بلندمدت در بنگاه‌های جدیدالتأسیس را تشویق می‌کند. این مسئله منجر به این می‌شود که اشخاص حقیقی به صورت بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند؛ این اقدام فواید متعددی خواهد داشت.^۴

1. Share Repurchase
2. OECD (2006)
3. OECD (2006)
4. OECD (2006)



در کشور اسپانیا در زمان اصلاحات مالیات بر عایدی سرمایه در سال ۱۹۹۶، ملاحظات مربوط به اختلال‌های مالیاتی در خصوص تأمین مالی بنگاه‌ها به‌طور صریح در نظر گرفته نشد، اما در سال‌های بعد از آن، تصمیم‌گیری‌های سیاستی و تغییرات قانونی در قواعد مربوط به مالیات مجموع درآمد در این کشور انجام شده است تا بین درآمدهای ناشی از عایدی سرمایه یا سایر درآمدهای سرمایه‌ای تفاوت‌هایی قائل شود.^۱

۴-۲. ارتقای عدالت افقی و عمودی

در طراحی و ارزیابی پایه‌های مالیاتی دو نوع عدالت مدنظر است: عدالت افقی^۲ و عدالت عمودی^۳. عدالت افقی به این معناست که از افرادی که درآمد مشابه دارند به‌طور یکسان مالیات اخذ شود و منظور از عدالت عمودی - که اشاره به درجه تصاعدی بودن نظام مالیاتی دارد - اخذ مالیات بیشتر از کسانی است که توان پرداخت بیشتری دارند. از جمله نکات قابل توجه درباره وضع مالیات بر عایدی سرمایه بهبود عدالت افقی و عمودی است.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بررسی نظام‌های مالیاتی، اثرات آن بر نحوه توزیع درآمد و سطح رفاهی در اقشار مختلف جامعه است. صاحبان سرمایه و افرادی که از سطوح درآمدی بالاتری برخوردارند، قدرت بالاتری برای کسب سود از محل عایدات سرمایه‌ای خود دارند در صورتی که اقشار کم‌درآمد از فرصت کسب سود از سرمایه بی‌نصیب هستند؛ زیرا فقرا پس‌اندازی برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای ندارند و تمام درآمد خود را مصرف می‌کنند. در نتیجه عمده عواید سرمایه‌ای متعلق به دهک‌های بالای درآمدی است.

بسیاری از کشورها به این مهم توجه داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال در معرفی مالیات بر عایدی سرمایه در ایرلند در سال ۱۹۷۴، سعی شده که عدالت بین کسانی که درآمد حاصل از کار کسب می‌کنند و کسانی که عایدی سرمایه دارند رعایت شود. به همین ترتیب، در انگلستان سال ۱۹۶۵ مالیات بر عایدی سرمایه با هدف بهبود عدالت در سیستم مالیاتی و اطمینان از پرداخت مالیات توسط افراد دارای سرمایه وضع شد. استرالیا نیز مستثنا بودن عایدی سرمایه از مالیات تا قبل از سال ۱۹۸۵ را نقض اصل عدالت افقی می‌دانست، زیرا این امر تبعیضی بود به نفع افرادی که درآمد خود را به‌صورت عایدی سرمایه به‌دست می‌آوردند.^۴

۵-۲. ارتقای کارایی (با ملاحظه اثر قفل‌شدگی)

چنانچه مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) به‌صورت دقیق طراحی شده باشد، یکی از کارکردهای این مالیات ارتقای کارایی در اقتصاد کشور است؛ زیرا موجب می‌شود سوداگری در فعالیت‌های غیرمولد و اختلال‌زا محدود شود. در خصوص مالیات بر عایدی سرمایه دو نگرانی برای کارایی اقتصادی وجود دارد. اگر عایدی سرمایه کاملاً معاف باشد، اصل خنثایی و عدالت مالیاتی نقض می‌شود و سرمایه‌گذاری بیش از حد بهینه در برخی دارایی‌ها (به‌خصوص فعالیت‌های اختلال‌زا و غیرمولد) انجام می‌شود؛ در نتیجه انحراف کارایی رخ می‌دهد. از سوی دیگر اخذ مالیات بر عایدی سرمایه با مبنای مالیات هنگام

1. OECD (2006)
2. Horizontal Equity
3. Vertical Equity
4. OECD (2006)

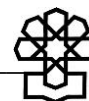
فروش، موجب اثر قفل‌شدگی^۱ و انحراف کارایی می‌شود. به این معنا که سرمایه‌گذاران، برای به تعویق انداختن، کاهش یا معافیت مالیات، دارایی‌هایشان را بیش از حد بهینه نزد خود نگه می‌دارند و نمی‌فروشند و این فرایند تخصیص و توزیع کارا و بهینه را به خطر می‌اندازد. حتی ممکن است قفل‌شدگی موجب اجتناب مالیاتی از طریق نفروختن دارایی و استفاده از معافیت‌های مالیاتی پس از مرگ شود. البته اگر مالیات بر عایدی سرمایه با مبنای درآمد بالقوه و واقعی (تعهدی) به‌طور سالیانه اخذ شود، اثر قفل‌شدگی خنثی می‌شود و فواید اقتصادی بسیاری دارد. در این مبنای مالیات‌ستانی که با تعریف درآمد هایگ - سایمنز مطابقت دارد، افزایش ارزش بازاری دارایی‌ها در پایان هر سال به‌عنوان درآمد بالقوه محاسبه و مشمول مالیات می‌شود، اگرچه شخص آن دارایی را نفروخته باشد و افزایش ارزش اسمی آن را نقد نکرده باشد. اما این شیوه دارای پیچیدگی‌های اجرایی فراوانی برای مجریان و مؤدیان مالیاتی است. یکی از مشکلات این روش چالش نقدینگی برای مالیات‌دهندگان دارایی‌هاست، زیرا ممکن است هر سال نقدینگی لازم را نداشته باشند و مجبور به وام گرفتن یا فروش دارایی خود شوند. به دلیل همین پیچیدگی‌ها نیز این شیوه تقریباً در دنیا عملیاتی نمی‌شود و اغلب کشورهای دنیا مالیات بر عایدی سرمایه را بر مبنای درآمد بالفعل (تحقیقی) یعنی هنگام انتقال دارایی اخذ می‌کنند. یکی دیگر از راهکارهای کاهش اثر قفل‌شدگی وضع دیگر پایه‌های مالیاتی به‌خصوص مالیات بر خانه‌های خالی و مالیات بر املاک لوکس است. تجربیات جهانی برای کنترل اثر قفل‌شدگی در بخش بعدی گزارش آورده می‌شود.

۳. پارامترهای مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه

در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه پارامترهای مهمی وجود دارد که باید با توجه به اصول اقتصادی در خصوص آنها تصمیم‌گیری کرد. به‌عنوان مثال:

- دارایی‌های مورد نظر با چه نرخ مشمول مالیات شوند؟
- درآمد مشمول مالیات چه باشد؟
- آیا با دوره نگهداری بلندمدت و کوتاه‌مدت رفتار مالیاتی متفاوت شود یا خیر؟
- آیا تعدیل درآمد با تورم صورت گیرد؟
- آیا زیان ناشی از سرمایه از عایدی سایر دارایی‌ها کسر گردد؟
- آیا به تعویق انداختن مالیات برخی گروه‌ها لازم است یا خیر؟
- نحوه شمول یا معافیت منزل مسکونی شخصی چگونه باشد؟
- با پدیده قفل‌شدگی چگونه مقابله شود؟

هرکدام از این سؤالات یک پارامتر مهم در مالیات بر عایدی سرمایه است که باید مورد تصمیم‌گیری سیاستگذار قرار گیرد. در طراحی این پارامترها باید توجه داشت که برای ارتقای کارایی، ماهیت تنظیم‌گری مالیات بر عایدی سرمایه حفظ شود؛ همچنین رعایت اصول عدالت افقی، عدالت عمودی و سادگی اجرا در طراحی این پارامترها ضروری است. در این بخش به تشریح هر یک از این پارامترها و تجربه سایر کشورها پرداخته شده است.



تشریح هریک از موارد فوق و نحوه محاسبات و عملکرد مالیات‌ستانی، نیازمند روابط ریاضی است که در شکل ۱ و ۲ به اختصار ارائه شده و در ادامه تشریح می‌شود. توضیح پارامترهایی که در ادامه مورد استفاده قرار می‌گیرد در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱. راهنمای علائم اختصاری در متن و شکل (۱) (صفحه ۳۹ گزارش)

متغیر	توضیح
A	سود شرکت قبل از اخذ مالیات (سهام) / عایدی سرمایه اسمی به صورت تحقیقی (سایر دارایی‌ها)
ΔO	عایدی سرمایه اسمی به صورت تعهدی
A'	عایدی سرمایه واقعی (تعدیل شده با تورم)
C	نرخ مالیات بر سود شرکت
H	مدت‌زمان نگهداری
X	نشان‌دهنده ضریبی است که موجب می‌شود بخشی از عایدی مشمول مالیات قرار بگیرد (شمول جزئی)
S	نرخ مالیات بر عایدی سرمایه اشخاص حقیقی

۱-۳. درآمد مشمول مالیات

همان‌طور که پیش از این بیان شد، به‌طور کلی عایدی سرمایه برابر است با تفاوت قیمت فروش و قیمت خرید که این تفاوت می‌تواند مثبت یا منفی باشد. عموماً درآمد مشمول مالیات همان عایدی سرمایه است که کشورهای مختلف سه نوع رفتار نسبت به آن دارند؛ عدم شمول، شمول جزئی و شمول کامل. در ادامه ضمن توضیح موارد مذکور رفتار مالیاتی هر کشور نسبت به نحوه شمول عایدی سرمایه بیان می‌شود.^۱

– عدم شمول

به‌طور کلی برخی از کشورها در سطح اشخاص حقیقی، درآمد حاصل از عایدی سرمایه را مشمول مالیات قرار نمی‌دهند؛ مگر آنکه تشخیص داده شود دارایی به قصد فروش (تجارت) خریداری شده است؛ از جمله این کشورها می‌توان به یونان، نیوزلند و سوئیس اشاره کرد؛ همچنین در کشورهای بلژیک، کره و مکزیک،^۲ سهام مشمول مالیات بر عایدی سرمایه قرار نمی‌گیرد.^۳

– شمول کامل^۴

اکثر کشورهای OECD در مورد اشخاص حقیقی، کل میزان عایدی اسمی (بدون تعدیل تورم) را مشمول مالیات قرار می‌دهند. تعداد کمی از کشورها نیز مانند ایرلند، لوکزامبورگ، اسلواکی و انگلستان معافیت پایه‌ای به میزان ثابت را نسبت به مأخذ مالیات اعمال می‌کنند.^۵

1. Harding (2013)

۲. این معافیت در مکزیک شامل اشخاصی که مالک بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت هستند و بیش از ۱۰ درصد سهام خود را در کمتر از ۲۴ ماه می‌فروشند و یا در صورتی که فروش سهام در بورس شناخته‌شده‌ای صورت نمی‌گیرد، نمی‌شود.

3. Harding (2013)

4. Full inclusion

5. Harding (2013)

- شمول جزئی^۱

برخی دیگر از کشورها صرفاً بخشی از عایدی اشخاص حقیقی را به‌عنوان مأخذ مالیاتی در نظر می‌گیرند. به‌عنوان مثال در کانادا و استرالیا ۵۰ درصد عایدی سرمایه مشمول مالیات قرار می‌گیرد یا در سوئد ۷۳/۳ درصد عایدی املاک مسکونی که توسط افراد نگهداری می‌شود مشمول مالیات قرار می‌گیرد. در پرتغال نیز ۵۰ درصد عایدی املاک مشمول مالیات نمی‌شود و اگر آن دارایی بیش از دو سال نگهداری شود، امکان تعدیل تورمی نیز وجود دارد؛ در مورد سهام شرکت‌های کوچک نیز ۵۰ درصد عایدی، مشمول مالیات قرار نمی‌گیرد. در شکل ۱ عایدی سرمایه دارایی‌ها بجز سهام به‌صورت XA نمایش داده شده است. همان‌طور که در شکل مشخص است، به‌دلیل مشمول نشدن بخشی از مأخذ مالیاتی، نرخ مالیات ترکیبی در سطح فردی کاهش می‌یابد.

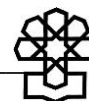
۲-۳. دوره نگهداری

اکثر کشورها معیاری را تحت عنوان مدت نگهداری^۲ در نظر می‌گیرند که در صورت نگهداری بیش از مدت تعیین‌شده، مالیات بر عایدی سرمایه کاهش می‌یابد یا به‌طور کلی دارایی مشمول مالیات نمی‌شود. به‌طور کلی دلیل به‌کارگیری این سیاست، حمایت از سرمایه‌گذاری به‌صورت بلندمدت و جبران تأثیر تورم است. در بعضی از کشورها معیار مدت نگهداری به‌صورت یک زمان واحد در نظر گرفته می‌شود و در برخی از کشورها به‌صورت پلکانی تعیین می‌شود. در جدول ۲ مدت نگهداری هریک از کشورها در مورد سهام و سایر دارایی‌ها مشخص شده است؛ اشخاص پس از دوره نگهداری مشخص شده برای دارایی، از تخفیفات مالیاتی از جمله کاهش نرخ، تعدیل نسبت به تورم، شمول جزئی و... برخوردار می‌شوند.^۳

جدول ۲. طول مدت نگهداری (سال) دارایی‌های فیزیکی و سهام
مبنای تخفیف مالیاتی در برخی از کشورها (۲۰۱۲)

سهام		دارایی فیزیکی	
استرالیا	۱	استرالیا	۱
شیلی	۱	اتریش	۳۵
جمهوری چک	۰/۵	بلژیک	۵
فنلاند	۱۰	شیلی	۱
مجارستان	۵	جمهوری چک	۵
لوکزامبورگ	۰.۵	فنلاند	۱۰
اسلوونی	۲۰	فرانسه	۳۰
ترکیه	۱	آلمان	۱۰
آمریکا	۱	مجارستان	۱۵
		ایتالیا	۵

1. Partial Inclusion
2. Holding Period Tests
3. Harding (2013)



سهام		دارایی فیزیکی	
		ژاپن	۵
		کره	۱۰
		لوکزامبورگ	۲
		لهستان	۵
		اسلواکی	۵
		اسلونی	۲۰
		ترکیه	۵
		آمریکا	۱

Source: Harding (2013)

- کشورهای مختلف پس از مدت نگهداری معین، رفتارهای مالیاتی متفاوتی با دارایی‌های مختلف انجام می‌دهند:^۱
- **معافیت در بخشی از مأخذ مالیات (شمول جزئی):** در استرالیا نگهداری یک دارایی بیش از یک سال باعث می‌شود بخشی از مأخذ مالیات معاف از مالیات شود، اما انتقال دارایی در کمتر از یک سال چنین مزیتی ندارد.
 - **کسر بخشی از قیمت فروش:** در فنلاند هنگام محاسبه عایدی ۲۰ درصد قیمت فروش کسر می‌شود و اگر دارایی بیش از ۱۰ سال نگهداری شود، ۴۰ درصد از ارزش فروش کسر می‌شود.
 - **اعمال تعدیل تورم:** در پرتغال اگر دارایی بیش از دو سال نگهداری شود عایدی براساس تورم تعدیل می‌شود و در اسپانیا قیمت خرید دارایی‌های غیرمنقولی که بیش از یک سال نگهداری شده باشد را با تورم تعدیل می‌کند.
 - **کاهش نرخ:** در آمریکا اگر یک دارایی کمتر از یک سال نگهداری شود، عایدی حاصل از فروش به‌عنوان جزئی از درآمد فرد تلقی می‌شود و با نرخ مالیات بر مجموع درآمد مشمول مالیات قرار می‌گیرد، اما اگر دارایی بیش از یک سال نگهداری شود با نرخ‌های جداگانه‌ای که کمتر از نرخ مالیات بر مجموع درآمد است، مشمول مالیات قرار می‌گیرد.

۳-۳. تعدیل عایدی سرمایه نسبت به تورم

یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات در نظام‌های مالیاتی به‌خصوص درباره مالیات بر عایدی سرمایه مسئله تعدیل تورم است و صاحب‌نظران به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول بر این باورند که عایدی حقیقی (پس از تعدیل) باید مشمول مالیات قرار گیرد و دسته دو معتقدند که باید عایدی اسمی (بدون تعدیل) مشمول مالیات باشد. به‌طور کلی دسته اول بر این موضوع تأکید دارند که ارزش دارایی در شرایط تورمی باعث افزایش ارزش اسمی سرمایه می‌شود و بالتبع این نیز موجب افزایش عایدی اسمی سرمایه و در نتیجه درآمد مشمول مالیات مؤدی خواهد شد. از نظر آنها چون صرفاً عایدی اسمی دارایی افزایش یافته است و تغییری در قدرت خرید او ایجاد نشده، نباید این افزایش را به‌عنوان عایدی حقیقی برای شخص در نظر گرفت و در نتیجه انتظار اخذ مالیات از آن را داشت. از طرف دیگر دسته دوم تعدیل عایدی سرمایه نسبت به تورم را باعث خدشه در عدالت مالیاتی می‌دانند؛ چراکه برخلاف طبقات پایین درآمدی که سهم عمده درآمدهای آنها حاصل از کار است، بخش بزرگی از درآمدهای طبقات بالای درآمدی را درآمد

سرمایه تشکیل می‌دهد؛ در نتیجه تعدیل آثار تورم بر این نوع از درآمدها بیشتر طبقات بالای درآمدی را منتفع می‌سازد و از این رو مخالفان معتقدند که تعدیل درآمدهای سرمایه به کارکرد بازتوزیعی نظام مالیاتی آسیب خواهد زد و عدالت افقی مالیاتی را خدشه‌دار می‌کند. طبیعتاً استدلال‌ها در خصوص تعدیل یا عدم تعدیل تورم به این موارد ختم نمی‌شود و نیاز به گزارش مستقلی در این حوزه است.^۱

در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه در کشورهای مختلف به مسئله تورم توجه شده است. در انگلستان اکثر دارایی‌هایی که قبل از آوریل سال ۱۹۹۸ در تصرف شخص درآمده در هنگام فروش با شاخص قیمت خرده‌فروشی تعدیل می‌شود؛ در سال ۱۹۹۸ انگلستان این تخفیف مالیاتی را با نوع دیگری از تخفیف جایگزین کرد. تخفیف جدید^۲ با هدف ساده‌سازی نظام مالیاتی و تشویق به سرمایه‌گذاری بلندمدت اعمال شد و به این صورت بود که با افزایش مدت نگهداری دارایی، نرخ مالیات کاهش پیدا می‌کرد. در این ساختار برای دارایی‌های غیرتجاری با مدت نگهداری بیش از ۱۰ سال نرخ از ۴۰ درصد به ۲۴ درصد کاهش می‌یافت و برای دارایی‌های تجاری که بیش از دو سال نگهداری می‌شد (با در نظر گرفتن شرایطی) نرخ مالیات از ۴۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش پیدا می‌کرد. اما این تخفیف نیز در آوریل ۲۰۰۸ حذف شد و به‌طور کلی یک نرخ ثابت ۱۸ درصد برای این مالیات در نظر گرفته شد. این کار با هدف پایدار کردن سیستم مالیات بر عایدی سرمایه و کمک به سرمایه‌گذاران در برنامه‌ریزی بلندمدت انجام شد.^۳

در استرالیا نیز تا سپتامبر سال ۱۹۹۹ برای دارایی‌هایی که بیش از ۱۲ ماه نگهداری می‌شدند، تعدیل عایدی نسبت به تورم صورت می‌گرفت؛ اما زیان سرمایه با تورم تعدیل نمی‌شد. از ۲۱ سپتامبر سال ۱۹۹۹ تعدیل عایدی نسبت به تورم با روش تخفیف دیگری جایگزین شد که براساس آن نیمی از عایدی اسمی دارایی‌هایی که بیش از ۱۲ ماه نگهداری می‌شد مشمول مالیات قرار می‌گرفت. در دانمارک، تعدیل عایدی نسبت به تورم فقط در خصوص عایدی دارایی‌های کشاورزی در نظر گرفته شد. در اسپانیا نیز تعدیل عایدی نسبت به تورم صرفاً برای املاک غیرمنقول اعمال می‌شود.^۴ برای جبران اثر تورم، کشورها از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند؛ همان‌طور که پیش از این بیان شد برخی از کشورها با شمول جزئی تورم را جبران می‌کنند و برخی با کاهش نرخ مالیات متناسب با دوره نگهداری این هدف را محقق می‌کنند.

روش دیگر جبران اثر تورم، تعدیل هزینه تحصیل (قیمت خرید) دارایی با تورم است. برخی از کشورها مانند شیلی،^۵ مکزیک، پرتغال^۶ و اسپانیا،^۷ از این روش برای تعدیل عایدی نسبت به تورم استفاده می‌کنند. در جدول ۳ به نحوه تعدیل عایدی نسبت به تورم در کشورهای مذکور اشاره شده است.

۱. این مبحث در گزارش مستقلی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس بررسی خواهد شد.

2. Taper Relief

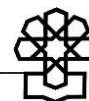
3. Harding (2013)

4. Harding (2013)

۵. در شیلی برای محاسبه قیمت خرید تعدیل شده، از تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده استفاده می‌شود.

۶. پرتغال برای دارایی‌های غیرسهام که بیش از دو سال نگهداری می‌شوند، از شاخصی که سالیانه منتشر می‌شود استفاده می‌کند.

۷. در اسپانیا قیمت خرید دارایی‌های غیرمنقول براساس یک شاخص معین تعدیل می‌شود.

جدول ۳. نحوه تعدیل تورم^۱

کشور	سهام	دارایی
شیلی	هزینه تحصیل دارایی × شاخص CPI	هزینه تحصیل دارایی × شاخص CPI
مکزیک	تعدیل تورم میانگین قیمت‌های خرید سهام	نرخ تورم × [قیمت خرید زمین + (۳٪ × سال‌های نگهداری - ۱) × هزینه ساختمان]
پرغال	عدم تعدیل تورمی	هزینه تحصیل دارایی × شاخصی برای تعدیل تورم
اسپانیا	عدم تعدیل تورمی	هزینه تحصیل دارایی × تعدیل براساس شاخصی که در بودجه سالیانه تعیین می‌شود

Source: Harding (2013)

در شکل‌های ۱ مقدار تعدیل شده عایدی سرمایه برای دارایی‌هایی بجز سهام، صرفنظر از اینکه تعدیل تورم به چه صورت انجام می‌شود، به‌طور 'A نشان داده شده است.

۳-۴. نرخ مالیات

تعیین نرخ مالیات بر عایدی سرمایه، می‌تواند تأثیر مهمی بر رفتار مالیاتی و سرمایه‌گذاری افراد داشته باشد. مثلاً اگر نرخ مالیات بر عایدی سرمایه بالاتر یا کمتر از نرخ مالیات بر بهره بانکی یا سود توزیعی سهام باشد، فعالان اقتصادی به‌منظور اجتناب مالیاتی^۲ سبد دارایی خود را تغییر می‌دهند. مالیات بر عایدی سرمایه را می‌توان به دو صورت دریافت کرد؛ یا اینکه تحت الگوی مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی^۳ و با نرخ مشابه سایر درآمدها اخذ شود یا اینکه به‌طور جداگانه و با نرخ متفاوت گرفته شود.

در طراحی نرخ مالیات بر عایدی سرمایه، توجه به کنترل سوداگری، درآمدهای مالیاتی و جلوگیری از اجتناب مالیاتی، به‌عنوان اهداف اصلی در سیاست‌گذاری محسوب می‌شوند. اگر عایدی سرمایه از مالیات معاف باشد انگیزه‌های سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری بیش از حد در دارایی‌های ریسکی ایجاد می‌شود. اما این نکته قابل توجه است که انگیزه برای تبدیل این درآمدها به عایدی سرمایه حتی در صورت شمول مالیات با نرخ مؤثر پایین‌تر نسبت به درآمدهای دیگر، وجود دارد؛ بنابراین از منظر جلوگیری تغییر رفتار فعالان اقتصادی و کاهش درآمدهای مالیاتی، تمایل به هم‌سویی نرخ مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر سایر درآمدهای حاصل از سرمایه (سود تقسیمی، درآمد اجاره و...) وجود دارد.

از منظر دیگر در مقایسه بین الگوی مالیات بر درآمد فراگیر^۴ و الگوی مالیات دوگانه،^۵ در الگوی مالیات بر درآمد فراگیر کلیه درآمدهای حاصل از کار و سرمایه (عایدی یا بازده جاری سرمایه) تحت یک نرخ مشمول مالیات می‌شود، اما در الگوی دوگانه، اساساً بین مالیات‌ستانی از درآمدهای حاصل از نیروی کار و درآمدهای حاصل از سرمایه تفاوت وجود دارد و این باعث می‌شود در الگوی مالیات بر درآمد فراگیر زمینه کمتری برای اجتناب مالیاتی نسبت به الگوی

۱. علت اینکه کشور شیلی و مکزیک در شکل ۱ در سطر تعدیل تورمی نیامده این است که شیلی در سهام و سایر دارایی‌ها بعد از طی زمان مدت نگهداری معاف از مالیات می‌شود و لذا در سطر بدون مالیات (با لحاظ دوره نگهداری) قرار گرفته است. مکزیک نیز به‌دلیل آنچه در پاورقی ۱ صفحه (۱۶) بیان شد معمولاً عایدی سهام را مشمول مالیات قرار نمی‌دهد، اما در مواردی عایدی حاصل از فروش سهام به‌صورتی که در جدول ۲ آمده، مشمول مالیات می‌شود.

۲. تغییر رفتار قانونی به‌منظور پرداخت مالیات کمتر (Tax Avoidance)

3. Personal Income Tax (PIT)
4. Comprehensive Income Tax System
5. Dual Income Tax System

دوگانه وجود داشته باشد.^۱ مثلاً در سوئد نرخ مالیات بر عایدی سرمایه ذیل الگوی دوگانه هم‌سو با نرخ مالیات بر بهره بانکی و سود تقسیمی سهام است و دلیل آن یکسان‌سازی زمین بازی و جلوگیری از اجتناب مالیاتی در انتخاب دارایی‌های مختلف بیان شده است. در کشورهای دیگر از جمله نروژ و ایسلند برای جلوگیری از اجتناب مالیاتی و افزایش کارایی مالیات به این مهم توجه شده است.^۲

همان‌طور که بیان شد در اکثر کشورها نرخ مالیات بر عایدی سرمایه یا براساس نرخ مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی^۳ است یا به‌صورت جداگانه در نظر گرفته می‌شود؛ البته کشورهایی مانند اتریش، آلمان و پرتغال مالیات بر عایدی سهام را به‌صورت نهایی در منبع کسر^۴ می‌کنند.

دانمارک، فنلاند، استونی، ایسلند، لوکزامبورگ، جمهوری اسلواکی، اسپانیا و سوئد همان نرخ مالیات بر مجموع درآمد را مبنا قرار می‌دهند. سایر کشورهای عضو OECD (فرانسه، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لهستان، اسلوانی و انگلستان) مالیات بر عایدی سرمایه را به‌صورت جداگانه نسبت به سایر درآمدهای افراد با نرخ خاص مشمول مالیات قرار می‌دهند. به‌عنوان مثال مالیات بر عایدی سرمایه ایرلند با نرخ هموار ۳۰ درصد و انگلستان با نرخ بین ۱۸ تا ۲۸ درصد (بسته به سطح درآمد افراد و منبعی که فرد عایدی را از آن به‌دست می‌آورد) مشمول مالیات قرار می‌دهد.^۵

در مورد سهام، میزان مالیات ترکیبی پرداخت شده، مجموع مالیات پرداخت شده در سطح شرکت و در سطح فردی است که مالیات در سطح فردی از میزان سود پس از کسر مالیات شرکت به‌دست می‌آید؛ بنابراین نرخ ترکیبی مالیات در صورتی که کل عایدی ملاک عمل قرار گیرد برابر است با $C+S(1-C)$ و اگر بخشی از عایدی مشمول مالیات باشد برابر با $C+SX(1-C)$ خواهد بود.

در مورد سایر دارایی‌ها نیز همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است، در صورتی که کل عایدی مشمول باشد، مالیات برابر با SA خواهد بود و اگر بخشی از عایدی مشمول مالیات باشد مالیات برابر با SXA خواهد بود و در صورتی که مأخذ مالیات با تورم تعدیل شود مالیات برابر SA' است.

مالیات بر عایدی سهام در مکزیک به شیوه متفاوتی محاسبه می‌شود. در ابتدا عایدی بر تعداد سال‌هایی (حداکثر تا ۲۰ سال) که سهام نگهداری شده تقسیم می‌شود. این درآمد با سایر درآمدها جمع می‌شود و مشمول مالیات بر مجموع درآمد می‌شود. بدهی مالیات بر مجموع درآمد بر کل درآمد تقسیم می‌شود که در نتیجه نرخ متوسط مالیات به‌دست می‌آید. این نرخ (یا یک نرخ متوسط مالیاتی مربوط به پنج سال گذشته) بر بخش باقی‌مانده عایدی سهام اعمال می‌شود. در جدول ۴ نرخ مالیات بر عایدی سرمایه اشخاص حقیقی و حقوقی (شرکت) مورد بررسی قرار گرفته است.

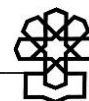
۱. جهت آشنایی بیشتر با الگوهای مالیات بر درآمد فراگیر، دوگانه و هموار به گزارش «مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی ۳». الگوهای مالیات بر مجموع درآمد در جهان» منتشر شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس به شماره مسلسل ۱۷۵۹۷ رجوع کنید.

2. Harding (2013)

3. Personal Income Tax (PIT)

4. Final Withholding Tax

5. Harding (2013)



جدول ۴. نرخ مالیات بر عایدی سرمایه اشخاص حقیقی و حقوقی در کشورهای مختلف

(درصد)

نرخ مالیات بر عایدی سرمایه اشخاص حقوقی (شرکت)	نرخ مالیات بر عایدی سرمایه اشخاص حقیقی		کشور
	نرخ	مالیات بر مجموع درآمد/جداگانه ^۱	
مالیات بر درآمد شرکت ۳۰	صفر / ۱۹ / ۳۲/۵ / ۳۷ / ۴۵ (نگهداری بیش از یک سال مشمول ۵۰ درصد تخفیف در مأخذ محاسبه عایدی می شود)	مالیات بر مجموع درآمد	استرالیا
مالیات بر درآمد شرکت ۲۵	۲۷/۵ (بجز اوراق بهادار و املاک سایر دارایی ها که بیش از یک سال نگهداری شوند مشمول مالیات نمی شوند و اگر کمتر از یک سال نگهداری شوند مشمول مالیات بر مجموع درآمد می شوند)	جداگانه و مالیات بر مجموع درآمد	اتریش
مالیات بر درآمد شرکت ۱۵ (نرخ فدرال)	۱۵ / ۲۰ / ۲۶ / ۲۹ / ۳۳ (نرخ فدرال) (۵۰ درصد عایدی مشمول مالیات می شود)	مالیات بر مجموع درآمد	کانادا
مالیات بر درآمد شرکت ۲۵	۲۰ <i>مرکز پژوهش های مجلس</i>	جداگانه	چین
مالیات بر درآمد شرکت ۲۷/۵ و ۲۶/۵	۳۰ (دارایی های منقول) ۱۹ (دارایی های غیرمنقول)	جداگانه	فرانسه
مالیات بر درآمد شرکت ۲۲	۱۵	جداگانه	یونان
مالیات بر درآمد شرکت ۲۰	۲۲	جداگانه	ایسلند
مالیات بر درآمد شرکت ۲۳/۲	۲۰ (سهام) ۲۰ (زمین و ساختمان؛ با نگهداری بیشتر از ۵ سال) ۳۹ (زمین و ساختمان؛ با نگهداری کمتر از ۵ سال)	جداگانه	ژاپن
صفر / ۱۰ / ۱۵ / ۲۰ / ۳۰	صفر / ۵ / ۱۵ / ۲۰ / ۳۰	جداگانه	مالزی
مالیات بر درآمد شرکت ۳۰	۱۰	جداگانه	مکزیک
مالیات بر درآمد شرکت ۲۲	۲۳/۶۸ (سهام) ۲۲ (غیرسهام) املاک مسکونی با شرط اقامت بیش از ۱۲ ماه معاف از مالیات هستند در غیر این صورت عایدی حاصل از فروش مشمول مالیات بر مجموع درآمد خواهد بود.	جداگانه و مالیات بر مجموع درآمد	نروژ
مالیات بر درآمد شرکت ۲۰	بسته به نوع دارایی نرخ های تصاعدی ۱۳ و ۱۵ و یا نرخ تناسبی ۱۳ <i>مرکز پژوهش های مجلس</i>	مالیات بر مجموع درآمد	روسیه
مالیات بر درآمد شرکت ۲۵	صفر / ۱۵ / ۲۰ / ۲۷ / ۳۵ / ۴۰ دارایی های غیرمنقول با نگهداری بیشتر از ۵ سال مشمول مالیات نمی شود.	مالیات بر مجموع درآمد	ترکیه

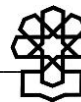
- توضیح این ستون: برخی از کشورها درآمد عایدی سرمایه را با سایر درآمدهای شخص حقیقی جمع می زنند و تحت سیستم «مالیات بر مجموع درآمد» اقدام به اخذ مالیات از عایدی سرمایه می کنند. اما برخی کشورها عایدی سرمایه را یک منبع درآمدی مستقل از سایر درآمدهای شخص حقیقی در نظر گرفته و به صورت «جداگانه» مشمول مالیات می کنند نه ذیل مالیات بر مجموع درآمد. هنگامی که مالیات بر عایدی سرمایه جدا از سایر درآمدها در نظر گرفته شود، نرخ، معافیت و ضوابط آن نیز معمولاً متفاوت از شرایط مالیات بر مجموع درآمد خواهد بود.
- در مورد سهام نرخ همان ۲۲ درصد است، اما چون عامل تعدیل ۱/۴۴ برای سهام وجود دارد در نهایت نرخ مؤثر ۲۱/۶۸ خواهد بود.

کشور	نرخ مالیات بر عایدی سرمایه اشخاص حقیقی	
	مالیات بر مجموع درآمد/جداگانه ^۱	نرخ
انگلستان	جداگانه	۱۰ یا ۲۰ (به‌اضافه ۸ درصد در مورد برخی عایدی‌های خاص)
آمریکا	مالیات بر مجموع درآمد و جداگانه	کوتاه‌مدت (معمولاً کمتر از یک‌سال): نرخ‌های مالیات بر مجموع درآمد بلندمدت: صفر / ۱۵ / ۲۰

Source: EY (2021), Deloitte (2021).

۵-۳. مسئله زیان

یکی از مهم‌ترین مسائل در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه توجه به مسئله زیان سرمایه است که کشورهای مختلف، رفتار مالیاتی متفاوتی نسبت به آن اتخاذ کرده‌اند و معمولاً آن را از مجموع عایدی سرمایه یا سایر درآمدها کسر می‌کنند. در بین کشورهای عضو OECD، در نروژ زیان سرمایه، از کلیه درآمدهای مشمول مالیات، ناشی از اشتغال، تجارت و سرمایه کسر می‌شود. در استرالیا در پایان سال، مجموع زیان سرمایه سال جاری و انتقال‌یافته از سال‌های گذشته از مجموع عایدی حاصل از دارایی‌ها قابل کسر است. در استرالیا علاوه بر اینکه زیان سرمایه سال جاری می‌تواند از عایدی سرمایه سال جاری کسر شود، می‌تواند برای جبران عایدی سرمایه در سال‌های آینده به‌طور نامحدود منتقل شود. اتخاذ سیاست در مورد زیان سرمایه در انگلستان، شباهت زیادی با استرالیا دارد، اما با این حال تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد؛ مثلاً در انگلستان در مورد سهام با ریسک بالا ممکن است زیان از کل درآمد کسر شود نه از عایدی. همچنین در برخی از مواقع امکان انتقال زیان به سال‌های آتی وجود ندارد؛ مثلاً زبانی که در سال فوت شخص شناسایی می‌شود را نمی‌توان به سال‌های بعد منتقل کرد یا زیان در معدنی که مجوز آن معدن به اتمام رسیده است. در انگلستان تحت ضوابط مشخصی امکان کسر زیان ناشی از تجارت یا شغل، از عایدی سرمایه وجود دارد. این امکان برای اولین بار در سال ۱۹۹۱ برای حمایت از مشاغل شکست‌خورده که قصد فروش دارایی‌های خود را دارند، معرفی شد. نکته دیگر اینکه برخلاف استرالیا در انگلستان امکان انتقال زیان به گذشته نیز وجود دارد. در جدول ۵ رفتار مالیاتی برخی از کشورها با زیان سرمایه مورد بررسی قرار گرفته است.

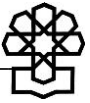


جدول ۵. رفتار مالیاتی با زیان سرمایه در برخی از کشورها

کشور	محدودیت در کسر زیان سرمایه از عایدی سرمایه	امکان کسر زیان سرمایه از سایر درآمدها و عایدی‌ها	امکان کسر سایر زیان‌ها جز زیان سرمایه از عایدی سرمایه	امکان انتقال زیان سرمایه به سال‌های آینده یا سال‌های قبل
استرالیا	بله، زیان حاصل از کالاهای سرمایه‌ای خاص ^۱ صرفاً از عایدی همین نوع دارایی‌ها کسر می‌گردد.	خیر، زیان حاصل از سرمایه صرفاً از عایدی حاصل از سرمایه کسر می‌گردد.	بله، زیان‌های ناشی از فعالیت عادی، از هر نوع درآمدی از جمله عایدی سرمایه کسر می‌گردند.	بله، امکان انتقال به سال بعد به صورت نامحدود وجود دارد (انتقال به سال قبل امکان‌پذیر نیست)
بلژیک	خیر، عایدی و زیان سرمایه با یکدیگر تجمیع می‌شود و محدودیتی در این زمینه وجود ندارد و مالیات بر تجمیع این دو اعمال می‌شود.	خیر مرکز پژوهش‌های مجلس	خیر	بله، امکان انتقال به سال آینده تا ۵ سال برای دارایی‌های غیرمنقول وجود دارد. امکان انتقال به سال‌های آینده یا سال‌های قبل برای زیان ناشی از سهام وجود ندارد.
کانادا	بله، تنها زیان دارایی‌های شخصی خاص (مانند آثار هنری و جواهرات) از عایدی ناشی از همان دارایی‌ها قابل کسر است. در خصوص سایر دارایی‌ها، مجموع عایدی و زیان کل دارایی‌ها مشمول مالیات قرار می‌گیرد.	بله، ۵۰ درصد زیان سرمایه حاصل از سهام یا بدهی شرکت‌های تجاری کوچک واجد شرایط، از عایدی و درآمد حاصل از هر بخشی می‌تواند کسر شود. ۵۰ درصد زیان سرمایه‌ای که در سال مرگ فرد محقق شود یا به سال مرگ منتقل شده باشد، از درآمد هر بخشی در سال مرگ می‌تواند کسر شود.	بله، زیان‌های معمولی تجاری از درآمد هر بخشی از جمله عایدی سرمایه می‌تواند کسر شود.	بله، امکان انتقال نامحدود به سال‌های آینده و انتقال به قبل تا ۳ سال وجود دارد.
جمهوری چک	بله، برخوردی متفاوت با زیان/ عایدی سرمایه حاصل از اوراق بهادار (مانند سهام و اوراق قرضه) و زیان/ عایدی حاصل از مالکیت شرکت‌های مسئولیت محدود، مشارکتی و تعاونی می‌شود. (مثلاً در خصوص دسته دوم، زیان سرمایه از عایدی اوراق بهادار کسر نمی‌شود)	خیر	خیر	خیر
فنلاند	خیر، عایدی و زیان سرمایه با یکدیگر تجمیع و سپس مالیات مربوطه محاسبه می‌شود	خیر، زیان سرمایه تنها از عایدی سرمایه کسر می‌شود.	بله، خالص عایدی سرمایه می‌تواند با سایر زیان‌های فرد جمع شود.	بله، انتقال به سال آینده تا ۳ سال

۱. Collectibles: دارایی‌هایی از قبیل نقاشی‌های گرانقیمت، سکه و اشیای قیمتی.

امکان انتقال زیان سرمایه به سال‌های آینده یا سال‌های قبل	امکان کسر سایر زیان‌ها جز زیان سرمایه از عایدی سرمایه	امکان کسر زیان سرمایه از سایر درآمدها و عایدی‌ها	محدودیت در کسر زیان سرمایه از عایدی سرمایه	کشور 
بله، انتقال به سال‌های آینده تا ۱۰ سال برای زیان‌هایی که از فروش سهام حاصل شده است. زیان هر بخش از عایدی همان بخش کسر می‌شود.	خیر	خیر	بله، اقدامی مجزا برای زیان / عایدی حاصل از اوراق بهادار و دارایی‌های غیرمنقول (زیان هر بخش از عایدی همان بخش کسر می‌شود)	فرانسه
بله، انتقال به سال‌های آینده اما به مقدار محدود: تا سقف ۱ میلیون یورو، بدون محدودیت از درآمد سال‌های آینده کسر می‌شود و برای بیشتر از این مقدار، تنها ۶۰ درصد درآمد در سالی که کسر انجام شده است، امکان انتقال وجود دارد. همچنین امکان انتقال به سال قبل (صرفاً برای ۱ سال) برای زیان سرمایه تا سقف ۵۱۱/۵۰۰ یورو وجود دارد.	بله، امکان کسر سایر زیان‌های غیرسرمایه‌ای از عایدی سرمایه خالص وجود دارد.	مرکز پژوهش‌های مجلس خیر	خیر، امکان کسر زیان‌های دارایی‌های غیرتجاری (خصوصی) از عایدی دارایی‌های غیرتجاری وجود دارد. ۵۰ درصد زیان اوراق بهادار در محاسبه خالص عایدی در نظر گرفته می‌شود.	آلمان
بله، در شرایط خاص. انتقال به سال‌های آینده تا ۳ سال به‌منظور جبران زیان سهام بورسی وجود دارد. امکان انتقال به سال آینده یا سال قبل برای زیان حاصل از سایر اوراق بهادار، زمین و ساختمان وجود ندارد.	بله، امکان کسر زیان غیرسرمایه‌ای از خالص عایدی سرمایه دارایی‌ها بجز اوراق بهادار و اموال غیرمنقول (هر دو مشمول مالیاتی جداگانه هستند) وجود دارد.	خیر، استثناً: زیان سرمایه حاصل از فروش ملک مسکونی از درآمد کل تا ۳ سال آینده کسر می‌گردد. (سال‌هایی که درآمد کل تا سقف ۳۰ میلیون ین باشد)	بله، برخورد متفاوت و مجزا با عایدی/زیان نگهداری اوراق بهادار، اموال غیرمنقول (زمین، ساختمان) و سایر دارایی‌ها (با نرخ مجزا و ثابت مالیات اخذ می‌شود) و همچنین تفاوت در کوتاه‌مدت و بلندمدت	ژاپن
خیر	خیر	خیر	بله، برخورد متفاوت و مجزا با عایدی/زیان سهام (زیان سهام از عایدی سهام همان سال کسر می‌شود) و ساختمان و زمین (زیان از عایدی ساختمان و زمین در همان سال کسر می‌شود)	کره جنوبی



کشور	محدودیت در کسر زیان سرمایه از عایدی سرمایه	امکان کسر زیان سرمایه از سایر درآمدها و عایدی‌ها	امکان کسر سایر زیان‌ها جز زیان سرمایه از عایدی سرمایه	امکان انتقال زیان سرمایه به سال‌های آینده یا سال‌های قبل
نروژ	خیر، عایدی و زیان سرمایه با یکدیگر تجمیع می‌شوند و با سایر درآمدهای افراد که شامل کلیه درآمدهای ناشی از اشتغال، تجارت و سرمایه می‌شود، جمع می‌شوند.	بله، زیان سرمایه به‌طور کامل از سایر درآمدهای فرد کسر می‌شود.	بله، زیان‌های غیرسرمایه‌ای از عایدی سرمایه کسر می‌شود.	بله، انتقال به سال‌های آینده تا ۱۰ سال و انتقال به سال‌های قبل تا ۲ سال برای زیان سرمایه دارایی‌های تجاری در زمان تعطیلی و خاتمه کسب‌وکار امکان‌پذیر است.
ترکیه	خیر، عایدی و زیان سرمایه با یکدیگر تجمیع شده و مالیات مربوطه محاسبه می‌گردد	خیر	خیر	بله، انتقال به سال‌های آینده تا ۵ سال
انگلستان	خیر، عایدی و زیان سرمایه با یکدیگر تجمیع می‌شود. استثنا: زیان سرمایه هریک از شرکا از عایدی همان فرد کسر می‌شود.	خیر، استثنا: امکان کسر زیان سرمایه سهام برخی شرکت‌های خاص ^۱ از درآمد سال جاری یا از سال مالیاتی جاری وجود دارد.	بله، تحت برخی شرایط، امکان کسر زیان‌های تجاری از عایدی سرمایه وجود دارد.	بله، انتقال به سال‌های آینده بدون محدودیت
آمریکا	خیر، عایدی و زیان سرمایه با یکدیگر تجمیع شده و مورد محاسبه قرار می‌گیرند. مازاد زیان سرمایه اوراق بهاداری که کمتر از ۱ سال نگهداری شوند، می‌تواند از خالص عایدی سرمایه‌ای اوراقی که بیشتر از ۱ سال نگهداری شده‌اند، کسر گردد. همچنین مازاد زیان سرمایه اوراق بهاداری که بیشتر از ۱ سال نگهداری شوند، می‌تواند از خالص عایدی سرمایه‌ای نگهداری اوراقی که کمتر از ۱ سال نگهداری شده‌اند، کسر گردد.	بله، امکان کسر مازاد زیان سرمایه (که از عایدی سرمایه کسر نمی‌شود) تا سقف ۳۰۰۰ دلار، از درآمد معمولی افراد وجود دارد.	خیر	بله، انتقال به سال‌های آینده بدون محدودیت

Source: OECD (2006).

۳-۶. به تعویق انداختن بدهی مالیاتی

یکی از موضوعات مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه، در نظر گرفتن قواعدی برای به تعویق انداختن پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه^۱ است. تعویق پرداخت این مالیات جهت اهداف مختلفی در نظر گرفته می‌شود که از جمله آنها می‌توان به کمک به مدیریت جریان نقدینگی مؤدی (سرمایه در گردش)، از بین بردن موانع برای رشد مشاغل موفق و جلوگیری از تخلیه سرمایه در گردش تجاری از اقتصاد اشاره کرد. همگی این اهداف موجب کارایی بیشتر در نظام اقتصادی می‌شوند.

در یک دسته‌بندی کلی، این مقررات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. مقررات مربوط به تعویق انداختن مالیات در یک دارایی.^۲

۲. مقررات مربوط به تعویق انداختن مالیات در صورت جایگزین کردن دارایی.^۳

دسته اول شامل انتقال یک دارایی مشخص بین افرادی است که معمولاً این افراد در یک واحد مالیاتی^۴ قرار می‌گیرند (در شرایطی که مؤدی خانوار باشد نه فرد یا اعضای یک شرکت)؛ مانند انتقال دارایی بین یک زوج که در نتیجه، انتقال‌دهنده از مالیات بر عایدی سرمایه معاف می‌شود. البته فردی که دارایی به او واگذار شده بسته به مقررات مالیاتی ممکن است در صورت فروش دارایی مشمول مالیات بر عایدی سرمایه قرار گیرد. دسته دوم هنگامی رخ می‌دهد که مؤدی یک دارایی را در اختیار داشته باشد و آن را با یک دارایی مشابه (در بیشتر موارد) جایگزین کند، در این صورت فروش دارایی اول بسته به شرایطی می‌تواند مشمول مالیات نشود و مالیات بر عایدی سرمایه به فروش دارایی دوم منتقل می‌شود. طبعاً این کار باعث می‌شود هزینه خرید دارایی بعدی کاهش پیدا کند.

۱-۶-۳. به تعویق انداختن مالیات در یک دارایی

براساس تجارب جهانی این نوع از تأخیر انداختن در مالیات بر عایدی سرمایه شامل سه دسته است. یک نوع مرسوم شامل انتقال دارایی بین اعضای یک خانواده است. در استرالیا هنگامی که یک دارایی به همسر یا همسر قبلی (به موجب طلاق) منتقل می‌شود، دارایی مشمول مالیات قرار نمی‌گیرد. در انگلستان انتقال یک دارایی بین زن و شوهر که در سال مالیاتی انتقال، مدتی با هم زندگی می‌کنند، به‌عنوان یک واحد مالیاتی شناخته می‌شوند و مشمول پرداخت مالیات قرار نمی‌گیرند. در دانمارک نیز انتقال سهام و اوراق بهادار (غیر از اوراق قرضه) به اعضای خانواده مشمول این تخفیف می‌شود مشروط بر اینکه انتقال سهام حداقل ۱۵ درصد از حق رأی سهامداران را تشکیل دهد؛ به‌عنوان مثال، انتقال‌دهنده باید یک سهامدار اصلی باشد.

نوع دیگری از به تعویق انداختن در پرداخت مالیات یک دارایی در کشوری مثل هلند و دانمارک برقرار است. در هلند اگر یک دارایی در یک فعالیت تجاری به یکی از اعضای آن شرکت فروخته شود مشمول این تخفیف قرار می‌گیرد. در دانمارک نیز اگر سهامدار، سهام خود را به یکی از اعضای شرکت منتقل کند، مشروط بر اینکه سهام منتقل شده حداقل دارای ۱۵ درصد از حق رأی سهام منتشره را داشته باشد، مشمول این تخفیف می‌شود.^۵

نوع سوم از به تعویق انداختن مالیات یک دارایی شامل انتقال دارایی از یک تجارت (مشارکتی^۶ یا غیرمشارکتی)^۷

1. Rollover Provisions
2. Same Asset Rollovers
3. Replacement Asset Rollovers
4. Tax Unit
5. OECD (2006)
6. Partnership Business
7. Sole Trader



به شرکتی است که تنها یک سهامدار دارد.^۱ مثلاً در استرالیا وقتی یک تاجر یا یک شرکت دارایی‌های خود را به شرکتی منتقل می‌کند که تنها یک سهامدار دارد، می‌تواند مالیات بر عایدی سرمایه را پرداخت نکند.^۲

۲-۶-۳. به تعویق انداختن مالیات در جایگزینی دارایی

به تأخیر انداختن مالیات در جایگزینی دارایی به سه شکل تقسیم می‌شود: جایگزینی دارایی تجاری با سهام، جایگزینی دارایی تجاری با دارایی تجاری و جایگزینی سهام با سهام؛ آنچه در این گزارش اهمیت دارد جایگزینی یک دارایی تجاری با دارایی تجاری دیگر است. در انگلیس هنگامی که یک دارایی خاص مورد استفاده در یک شغل، حرفه یا تجارت (در درجه اول مکان تجارت شامل املاک و سرقفلی) به فروش می‌رسد و عایدی حاصل از آن در سرمایه‌های جایگزین واجد شرایط، سرمایه‌گذاری می‌شود، مشمول پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه نمی‌شود. البته شخص هنگامی می‌تواند از پرداخت کل مالیات معاف شود که کل درآمد حاصل از فروش را مجدد سرمایه‌گذاری کند. دلیل اصلی این سیاست جلوگیری از ایجاد مانع بر سر راه نوسازی و توسعه کسب‌وکارهاست. در لوکزامبورگ نیز شخص می‌تواند تحت شرایط خاص عایدی سرمایه را به دارایی جایگزین که در همان سال خریداری شده، انتقال دهد. البته تحت شرایط خاص اگر تعویض در یک سال بعد هم انجام شود، همچنان این امکان وجود دارد. مثلاً هرگاه یک ساختمان یا دارایی ثابت غیرقابل استهلاک (به‌عنوان مثال زمین) به فروش می‌رسد، عایدی حاصل از سرمایه به دارایی‌های ثابت که با استفاده از درآمد حاصل از فروش دارایی قبلی خریداری شده، منتقل می‌شود. به همین ترتیب، در دانمارک در مورد سرمایه‌گذاری مجدد در دارایی‌های خاص تجاری مثل ساختمان‌ها می‌توان از این امکان استفاده کرد.

برای روشن شدن موضوع به دو مثال اشاره می‌شود.

مثال اول: فرض کنید شخصی مغازه‌ای را با قیمت ۳۰۰ میلیون تومان می‌فروشد و در نتیجه این فروش، عایدی به میزان ۸۰ میلیون تومان به دست می‌آورد. اگر شخص مغازه قدیمی را با یک مغازه جدید با قیمت ۳۵۰ میلیون تومان جایگزین کند، شخص می‌تواند پرداخت کل مالیات بر عایدی سرمایه خود را به تعویق اندازد. حال فرض کنید شخص قصد فروش دارایی جدید را به قیمت ۴۰۰ میلیون تومان دارد. برای محاسبه عایدی سرمایه او به صورت زیر عمل می‌شود:

$$(400 - 350) + 80 = 130$$

درواقع در این مثال چون شخص بیش از درآمد حاصل از فروش مغازه قدیمی را در خرید مغازه جدید سرمایه‌گذاری مجدد کرده است^۳ می‌تواند کل عایدی خود را به تعویق بیندازد.

مثال دوم: حال فرض کنید در مثال قبل شخص مغازه جدید را با قیمت ۲۸۰ میلیون خریداری کرده است. در واقع فرد بخشی از درآمد حاصل از فروش مغازه قدیمی را در خرید مغازه جدید سرمایه‌گذاری می‌کند.^۴ بنابراین در این حالت عایدی مشمول مالیات شخص، ۲۰ میلیون تومان (مابه‌التفاوت ۳۰۰ میلیون تومان و ۲۸۰ میلیون تومان) می‌شود و مابقی عایدی (۶۰ میلیون تومان) هنگام فروش مغازه جدید به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$(400 - 280) + 60 = 180$$

در جدول ۶ سیاست برخی کشورها درباره به تعویق انداختن بدهی مالیات بر عایدی سرمایه ذکر شده است.

1. Wholly Owned Company
2. OECD (2006)
3. Fully Reinvested
4. Partially Reinvested

جدول ۶. رفتار مالیاتی برخی از کشورها درباره به تعویق انداختن پرداخت مالیات

کشور	به تأخیر انداختن مالیات در یک دارایی		به تأخیر انداختن مالیات در جایگزینی دارایی	
	انتقال دارایی بین همسران	فروش دارایی تجاری به اعضا	جایگزینی سهام با سهام	جایگزینی سهام با دارایی تجاری
استرالیا	بله، اما فقط برای انتقال دارایی به همسر به دلیل طلاق	خیر	بله، اما فقط برای مبادله سهام شرکت اصلی با سهام شرکت جدید در تصرف یا ادغام	خیر بله، برای جابه‌جایی دارایی‌های جایگزین مشاغل کوچک
اتریش	خیر	خیر	بله، معافیت عایدی سرمایه در برخی شرایط از جمله شرایط غیر سوداگری. همچنین امکان استفاده از معافیت سازمان‌دهی مجدد شرکت‌ها (شامل ادغام، تقسیم، انتقال)	خیر بله، برای دارایی‌های منقولی که بیش از ۷ سال نگهداری شده‌اند و برای دارایی‌های غیرمنقولی که بیش از ۱۵ سال نگهداری شده‌اند و اگر جایگزینی حداکثر پس از یک سال انجام شود.
کانادا	بله	خیر	بله، برای بسیاری از اشکال سازمان‌دهی مجدد شرکت‌ها (ادغام، تقسیم و...)	خیر بله، برای فروش اموال سرمایه‌ای مثل زمین یا ساختمان که برای اهداف تجاری نگهداری می‌شود و اگر درآمد حاصل از آن در مدت زمان مشخص در املاک جایگزین سرمایه‌گذاری شود.
جمهور چک	خیر	خیر	بله، منتهی دوره نگهداری ۶ ماهه مجدد از ابتدا شروع نمی‌شود.	خیر
دانمارک	بله، در مورد سهام باید بیش از ۱۵ درصد سهام انتقال یابد.	بله، در مورد سهام باید بیش از ۱۵ درصد سهام انتقال یابد.	بله	خیر بله، در صورتی که برای ساختمان استفاده شود و درآمد حاصل از آن در ساختمان جدید سرمایه‌گذاری شود.
فرانسه	بله (برای برخی سهام خاص)	خیر	بله	خیر
آلمان	خیر	خیر	معافیت برای سازمان‌دهی مجدد شرکت، شامل ادغام، تقسیم و انتقال	بله، تخفیف مالیاتی تا یک سقف معین برای سود سهام شرکت‌های سهامی برای سرمایه‌گذاری شده در سهام، دارایی‌های قابل استهلاک یا ساختمان‌ها

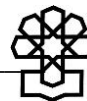


کشور	به تأخیر انداختن مالیات در یک دارایی		به تأخیر انداختن مالیات در جایگزینی دارایی	
	انتقال دارایی بین همسران	فروش دارایی تجاری به اعضا	جایگزینی سهام با سهام	جایگزینی سهام با دارایی تجاری
یونان	بله (برای برخی سهام خاص)	خیر	خیر	خیر
مجارستان	خیر	خیر	خیر	خیر
ایرلند	بله	خیر	بله، برای سازمان‌دهی مجدد شرکت‌ها	خیر
ژاپن	خیر	خیر	بله	بله، برای جایگزینی زمین، ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات و کشتی برای نگهداری بیش از یک سال با دارایی‌های مشابه شخص دیگر که بیش از یک سال نگهداری شده‌اند.
کره	خیر	خیر	بله، برای انتقال به شرکت‌های دارای ریسک و هلدینگ‌ها	بله
پرتغال	خیر	خیر	بله، برای سامان‌دهی مجدد شرکت	بله، تخفیف مالیاتی به میزان ۵۰ درصد عایدی دارایی‌های فیزیکی در فعالیت‌های تجاری که بیش از یک سال نگهداری شده‌اند و اگر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری حداکثر در مدت ۴ سال در دارایی مشابه سرمایه‌گذاری شود (به استثنای دارایی‌های دست‌دوم)
ترکیه	خیر	خیر	خیر	خیر
انگلستان	بله	خیر	بله، برای سهام و ابزارهای بدهی جایگزین شده برای سازمان‌دهی مجدد شرکت تاحدی که سهام یا بدهی‌های شرکت مربوطه در ازای آن دریافت می‌شود.	بله، برای عایدی دارایی‌های خاص (در درجه اول محل کسب‌وکار و سرقفلی) و اگر درآمد حاصل از آن در دارایی‌های تجاری واجد شرایط جایگزین، سرمایه‌گذاری شود.



کشور	به تأخیر انداختن مالیات در یک دارایی		به تأخیر انداختن مالیات در جایگزینی دارایی	
	انتقال دارایی بین همسران	فروش دارایی تجاری به اعضا	جایگزینی سهام با سهام	جایگزینی سهام با دارایی تجاری
آمریکا	بله، بین همسران یا همسرانی که طلاق گرفته‌اند. مأخذ مالیاتی انتقال دهنده به منتقل‌آلیه منتقل می‌شود یعنی هرگونه سود و زیان منتقل می‌شود.	خیر	بله، عایدی برخی از سهام مشاغل کوچک برای خرید سهام دیگر مشاغل کوچک واجد شرایط. جایگزین کردن سهام با سهامی در همان کلاس در همان شرکت مشمول مالیات نیست. همچنین به شرط تحقق شرایط مختلف، بورس اوراق بهادار در نتیجه سازمان‌دهی مجدد شرکت‌ها مشمول مالیات قرار نمی‌گیرد. مالیات‌دهندگان می‌توانند انتخاب کنند که اوراق بهادار واجد شرایط را به ESOP یا تعاونی متعلق به کارگران بفروشند و بدون شناسایی سود، اوراق بهادار دیگر را جایگزین کنند.	بله، تحت یکسری شرایط خاص: اگر انتقال دهنده‌ها بلافاصله دارایی را به شرکت منتقل کنند و در ازای سهام حداقل ۸۰ درصد سهام رأی‌دهنده و ۸۰ درصد سهام دیگر شرکت مجاز به این کار است.

Source: OECD (2006).



۷-۳. نحوه شمول واحدهای مسکونی شخصی

یکی دیگر از ملاحظات مهم در مورد مالیات بر عایدی سرمایه، رفتاری مالیاتی با سکونتگاه افراد است. تعدادی از کشورها به کلی واحدهای مسکونی را به شرط آنکه آن واحد یک دارایی شغلی نباشد یا مرتبط با اهداف شغلی مورد استفاده قرار نگیرد، معاف از مالیات قرار داده‌اند.

در هلند، محل سکونت شخصی فرد مشمول مالیات بر عایدی سرمایه نمی‌شود؛ اما در صورت استفاده از این ملک برای مقاصد تجاری، این معافیت از بین می‌رود. به‌طور مشابه، در نیوزلند و آلمان مالیات بر عایدی سرمایه در مورد سکونتگاه‌هایی که برای اهداف تجاری استفاده نمی‌شود، اعمال نمی‌شود.

عایدی حاصل از فروش محل سکونت اصلی مؤدیان در لوکزامبورگ نیز معاف از مالیات است. در نروژ نیز اگر فروشنده حداقل یک سال مالک محل اقامت بوده و حداقل یکی از دو سال قبل در آنجا اقامت داشته باشد، از مالیات معاف است. به همین ترتیب، مالیات بر عایدی سرمایه در جمهوری چک از عایدی حاصل از فروش محل سکونت اصلی ساقط می‌شود به شرط آنکه فروشنده مالک محل اقامت باشد و حداقل دو سال قبل از فروش در آن اقامت داشته باشد. افراد در ایسلند از مالیات بر عایدی حاصل از فروش محل اقامت اصلی معاف هستند؛ به شرطی که قبل از فروش، حداقل به مدت دو سال مالک آن باشند. اگر مالک تصمیم بگیرد واحد مسکونی را در کمتر از دو سال به فروش برساند در صورتی که مالک بلافاصله پس از فروش، با درآمد آن یک خانه جدید با قیمت بالاتر خریداری کند، عایدی آن معاف از مالیات خواهد بود.

۸-۳. مسئله قفل‌شدگی

همان‌طور که در بخش نخست گزارش اشاره شد قفل‌شدگی به این معناست که سرمایه‌گذاران، برای به تعویق انداختن، کاهش یا معافیت مالیات، دارایی‌هایشان را بیش از حد بهینه نزد خود نگه می‌دارند و نمی‌فروشند و این فرایند تخصیص و توزیع کارا و بهینه را به خطر می‌اندازد. اعمال نرخ‌های بالا بر عایدی سرمایه می‌تواند باعث تشدید اثر قفل‌شدگی شود. همچنین اثر قفل‌شدگی منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود. به‌عنوان مثال ایرلند تا قبل از سال ۱۹۹۸ نرخ مالیاتی ۴۰ درصد بر عایدی سرمایه اعمال می‌کرد. پس از سال ۱۹۹۸ تصمیم به کاهش نرخ گرفت و نرخ مالیاتی ۲۰ درصد بر عایدی سرمایه اعمال کرد. با وجود کاهش نرخ، مالیات وصولی از عایدی سرمایه، از ۲۴۵ میلیون یورو در سال ۱۹۹۸ به ۱۴۳۶ میلیون یورو در سال ۲۰۰۳ رسید.^۱ نرخ‌های فزاینده و بسیار بالا موجب تشدید قفل‌شدگی دارایی‌ها و کاهش درآمد دولت می‌شود.

۱-۸-۳. تجربیات کشورهای مختلف برای کاهش اثر قفل‌شدگی^۲

کشورهای مختلف راهکارهایی را برای کاهش اثر قفل‌شدگی به کار بستند، عمده این راهکارها عبارت است از: «تفکیک زمان بین بلندمدت و کوتاه‌مدت»، «اعمال نرخ متفاوت برای دارایی‌های مختلف»، «برخی معافیت‌های خاص» و «رفتار متفاوت با سرمایه‌گذاری‌های خاص». در ادامه جزئیات این اقدامات ذکر می‌شود:

1. OECD (2006)
2. Ibid

۱. **مالیات سالیانه بر ارزش روز دارایی‌ها به‌جای عایدی سرمایه:** این ایده در کشورهای اندکی دنبال شده است. در این شیوه عایدی سرمایه (بجز موارد خاص) معاف از مالیات است، در عوض مالیاتی براساس ارزش خالص دارایی‌ها به‌طور سالیانه اخذ می‌شود. مثلاً در هلند، تحت سیستم BOX 3، سهام، املاک و برخی دارایی‌های دیگر مشمول مالیات سالیانه هستند. در هلند سعی شده در برخی موارد که امکان دارد شیوه درآمد بالقوه (ارزش اسمی دارایی‌ها پایان هر سال) اجرا شود. در نیوزلند نیز شیوه مشابهی اعمال می‌شود. به‌عبارت دیگر نوعی مالیات بر ثروت به‌جای عایدی سرمایه وضع می‌شود.

۲. **عدم وضع مالیات بر دارایی‌های با نگهداری بلندمدت:** کشورهای اندکی برای جلوگیری از قفل‌شدگی بلندمدت دارایی‌ها، دارایی‌های بلندمدت را از مالیات بر عایدی سرمایه معاف می‌کنند و فقط بر فعالیت‌هایی که در کوتاه‌مدت (معمولاً یک سال) انجام می‌شود، مالیات وضع می‌کنند. آلمان، اتریش و پرتغال دارایی‌ها و پرتفوهایی از سهام که بیش از یک سال نگهداری شود را از مالیات عایدی سرمایه معاف می‌کنند. در فرانسه نیز، سهامدارانی که بیش از سه سال سهام شرکت‌های نوآور جدیدالتأسیس را نگهداری کنند، معاف از مالیات بر عایدی سرمایه هستند.

۳. **کاهش نرخ برای دارایی‌های با نگهداری بلندمدت:** بسیاری از کشورها به‌جای معافیت کامل، از سیاست اعمال نرخ ترجیحی بر عایدی سرمایه با نگهداری بلندمدت استفاده می‌کنند. آمریکا و اسپانیا، نرخ مالیات بر عایدی سرمایه با نگهداری بلندمدت را ۱۵ درصد در نظر گرفته‌اند (به‌جای نرخ‌های تصاعدی). بسیاری از کشورهای دیگر نیز نرخ‌های ترجیحی و کاهنده را برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در نظر گرفتند.

۴. **مالیات بر ارث و عایدی سرمایه پس از فوت:** به‌منظور جلوگیری از انگیزه قفل‌شدگی دارایی تا زمان مرگ برای اجتناب مالیاتی، برخی کشورها سیاست‌های مالیاتی اتخاذ می‌کنند تا با انواع مالیات‌ها جذابیت معافیت پس از مرگ را از بین ببرند. با مشمولیت مالیاتی دارایی‌ها پس از مرگ، انگیزه نگه‌داشتن و قفل‌شدگی دارایی کاهش می‌یابد. این کشورها بیشتر از مالیات بر ارث یا مالیات بر عایدی سرمایه پس از فوت استفاده می‌کنند. آمریکا مالیات ارث را اجرا می‌کند. نیوزلند و کانادا مالیات بر عایدی سرمایه هنگام فوت را اعمال می‌کنند. در استرالیا دارایی‌ها پس از فوت، هنگام انتقال به وراثت مشمول مالیات بر عایدی سرمایه هنگام فوت می‌شوند. در کشورهایی همچون آلمان، هلند، سوئد، لوکزامبورگ و کشورهای دیگر سیاست‌های مالیاتی مشابهی در پیش گرفته شده است تا دارایی‌ها پس از مرگ به‌نحوی مشمول مالیات باشند تا انگیزه قفل‌شدگی تا هنگام مرگ کاهش یابد.

۵. **اعمال نرخ‌های پایین برای عایدی سرمایه در مقابل سایر انواع درآمد:** در بسیاری از کشورها، به‌جای اعمال معافیت یا تخفیف‌های خاص در عایدی سرمایه، نرخ مالیاتی پایین‌تری بر عایدی سرمایه نسبت به سایر درآمدهای حاصل از کار و درآمدهای جاری سرمایه (مثل بهره) وضع کرده‌اند. این اعمال نرخ متفاوت می‌تواند موجب افزایش سرمایه‌گذاری و تاحدی جلوگیری از قفل‌شدگی شود؛ زیرا اگر فرد در جای دیگری سرمایه‌گذاری می‌کرد مشمول نرخ‌های بالاتر می‌شد.

۶. **سیاست‌های مالیاتی موقت در بخش‌های بحرانی:** اگر سیاستگذار رصد فعالی از بخش‌های مختلف اقتصاد داشته باشد، می‌تواند قفل‌شدگی‌های بحرانی در هریک از بخش‌های اقتصاد را تشخیص دهد و صرفاً برای آن بخش از اقتصاد (یا آن منطقه جغرافیایی) معافیت یا کاهش نرخ به‌صورت موقت در نظر بگیرد. در دوره‌هایی در مناطقی از سوئد که قفل‌شدگی



در بازار مسکن برخی مناطق این کشور در حال تبدیل به بحران بوده، معافیت‌های ویژه‌ای برای عایدی سرمایه آن بخش و آن مناطق در نظر گرفته شده است.

۷. اعمال آستانه معافیت: برخی از کشورها، عایدی سرمایه‌های شخصی (غیرتجاری) اندک را از مالیات معاف می‌کنند. کشورهای ژاپن، کره، آلمان، مجارستان، لوکزامبورگ و ترکیه سالیانه یک آستانه معافیت تعریف می‌کنند و عایدی سرمایه‌های کمتر از آن از پرداخت مالیات معاف می‌شوند. به این ترتیب اشخاص حقیقی که دارایی‌های کوچکی دارد، برای اجتناب مالیاتی آن را بیش از حد بهینه نگه نمی‌دارند و اثر قفل‌شدگی کاهش می‌یابد.

شایان ذکر است که میزان نگرانی درخصوص قفل‌شدگی در کشورهای مختلف یکسان نیست؛ در نتیجه سیاست مالیاتی آنها در کنترل این اثر نیز یکسان نیست. کشورهای بسیاری هستند که اگرچه مقداری نگرانی درخصوص قفل‌شدگی دارند، ولی این نگرانی به میزانی نیست که معافیت‌های زیادی برای عایدی سرمایه در نظر بگیرند یا آن را به‌طور کلی معاف کنند. بیشتر این کشورها بر قفل‌شدگی‌های بلندمدت تمرکز دارند و صرفاً برای بلندمدت تخفیف‌های مالیاتی در نظر می‌گیرند. استرالیا، کانادا، دانمارک، فنلاند، ایتالیا، نروژ، اسپانیا، سوئد، انگلستان و آمریکا از جمله کشورهایی هستند که نگرانی کمتری نسبت به قفل‌شدگی دارند؛ در ادامه به‌اختصار تجربیات آنها مرور می‌شود:

- در استرالیا نرخ مالیات برای عایدی سرمایه با دوره نگهداری بیش از یک سال، ۵۰ درصد کاهش می‌یابد.
- در انگلستان، عایدی سرمایه دارایی‌های غیرتجاری بعد از ۱۰ سال نگهداری، از ۴۰ درصد تخفیف مالیاتی و عایدی سرمایه دارایی‌های تجاری (کسب‌وکار)، بعد از دو سال از ۷۵ درصد تخفیف مالیاتی بهره‌مند می‌گردند.
- در آمریکا و اسپانیا، عایدی سرمایه با دوره نگهداری بلندمدت مشمول نرخ هموار ۱۵ درصد به‌جای نرخ‌های تصاعدی است.

• در دانمارک، عایدی سرمایه سهام برای کسانی که بیش از سه سال سهامداری کنند، معاف از پرداخت مالیات است. این کشور برای سایر دارایی‌ها معافیت یا تخفیفی جهت جلوگیری از قفل‌شدگی انجام نداده است.

• در کانادا برای جلوگیری از برخی ناکارایی‌ها از جمله قفل‌شدگی، فقط نیمی از عایدی سرمایه اشخاص حقیقی و شرکت‌ها به‌عنوان درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود و نصف دیگر معاف از مالیات است.

• در ایتالیا، در دوره‌ای نرخ مالیاتی پایین‌تری نسبت به نرخ مالیاتی سایر درآمدهای اشخاص حقیقی و شرکت‌ها برای عایدی سرمایه اعمال می‌شد. همچنین در این کشور برای برخی سرمایه‌گذاران خاص (به‌ویژه بانک‌ها که دارایی زیادی در اختیار دارند) عایدی سرمایه به روش تعهدی، محاسبه می‌شود. اجرای این شیوه با وجود فوایدی که دارد بسیار دشوار است و در نقاط بسیار محدودی در جهان برای موارد ویژه به‌کار گرفته می‌شود.

در کشورهای با الگوی مالیات بر مجموع درآمد دوگانه (فنلاند، سوئد و نروژ)، برای عایدی سرمایه نرخ‌های ترجیحی و پایین‌تر نسبت به سایر درآمدها در نظر گرفته می‌شود. البته همان‌طور که بیان شد در دوره‌هایی در مناطقی از سوئد که قفل‌شدگی در بازار مسکن برخی مناطق این کشور در حال تبدیل به بحران بود، معافیت‌های ویژه‌ای برای عایدی سرمایه آن بخش و آن مناطق در نظر گرفته شده است.

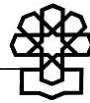
۹-۳. بیان نموداری پارامترهای CGT در کشورهای OECD

در این بخش سعی شده است طراحی و نحوه اجرای مالیات بر عایدی سرمایه در مورد دارایی‌های مختلف بجز سهام در کشورهای عضو OECD با استفاده از شکل ۱ نشان داده شود. درخصوص شکل ۱ نکات ذیل قابل ذکر است:

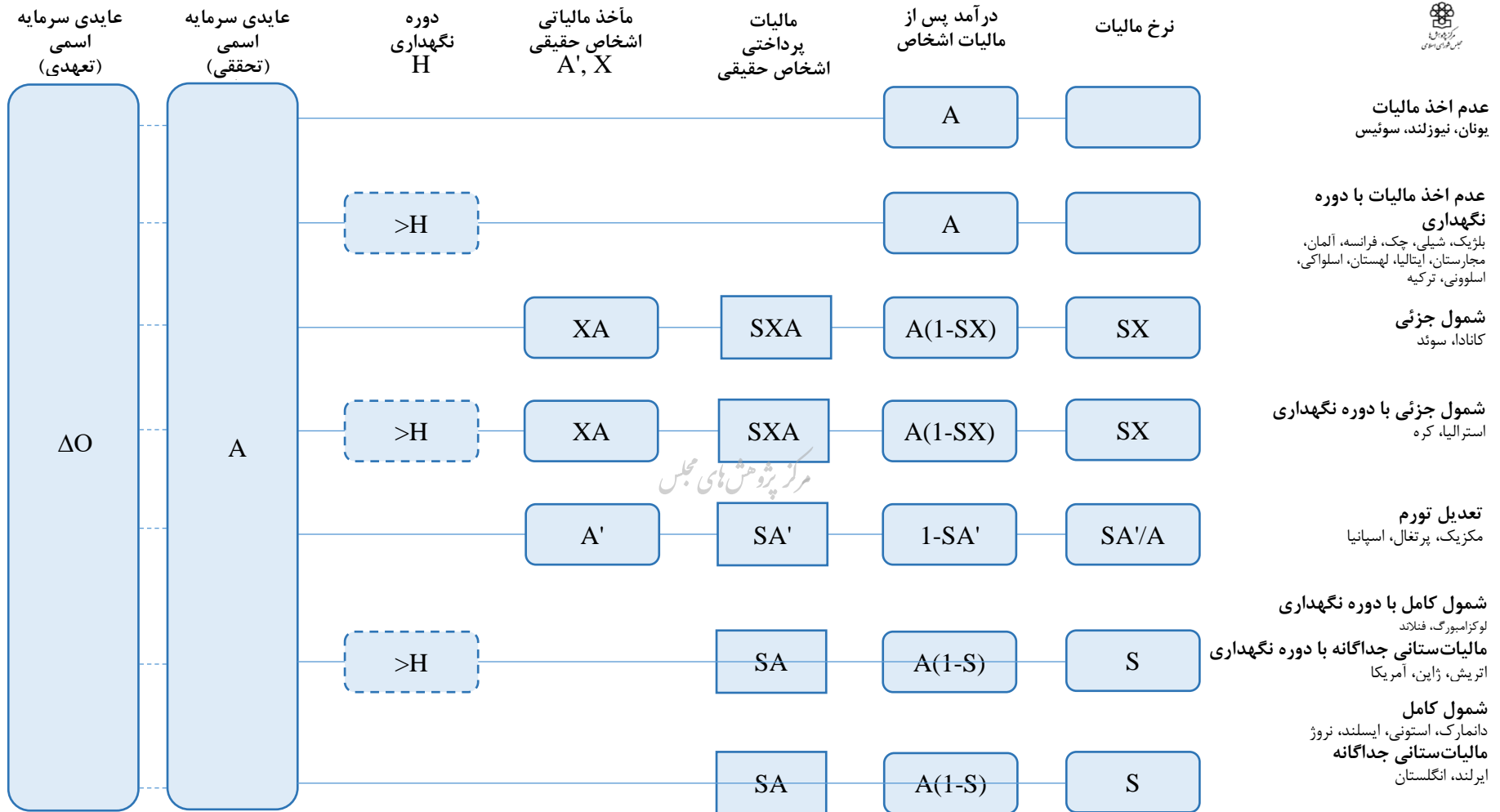
- هر سطر این اشکال نشان‌دهنده یک سیستم مالیاتی است که برای مالیات بر عایدی سرمایه وجود دارد.
 - ستون‌ها نشان‌دهنده روند مالیاتی است که متناسب با هر ردیف در نظر گرفته شده که معمولاً از سود شرکت (عایدی اسمی) شروع می‌شود و به نرخ مالیات ترکیبی ختم می‌شود.
- به‌عنوان مثال و راهنمای شکل ۱، عایدی سرمایه تعهدی برای دارایی‌های غیر از سهام در هیچ‌کدام از کشورهای مورد بررسی مبنای مالیات قرار نمی‌گیرد. براساس ردیف اول در کشورهای یونان، نیوزلند و سوئیس، عایدی سرمایه معاف از مالیات است. براساس ردیف دوم عایدی سرمایه برای دوره نگهداری بیشتر از مدت زمان مشخص (H) در برخی از کشورها مانند فرانسه، آلمان و... معاف از مالیات است. براساس ردیف سوم عایدی سرمایه اسمی تحقق یافته (A) با در نظر گرفتن یک ضریب (X) مشمول مالیات به نرخ (S) می‌شود. به عبارتی نرخ مؤثر مالیات SX است. این نحوه مالیات‌ستانی از عایدی سرمایه که به شمول جزئی مشهور است در کانادا و سوئد تجربه شده است.^۱

۱. جدول ۱. راهنمای علائم اختصاری در متن و شکل ۱

متغیر	توضیح
A	سود شرکت قبل از اخذ مالیات (سهام) / عایدی سرمایه اسمی به‌صورت تحقیقی (سایر دارایی‌ها)
ΔO	عایدی سرمایه اسمی به‌صورت تعهدی
A'	عایدی سرمایه واقعی (تعدیل شده با تورم)
C	نرخ مالیات بر سود شرکت
H	مدت زمان نگهداری
X	نشان‌دهنده ضریبی است که موجب می‌شود بخشی از عایدی مشمول مالیات قرار بگیرد (شمول جزئی)
S	نرخ مالیات بر عایدی سرمایه اشخاص حقیقی



شکل ۱. نحوه مالیات‌ستانی از عایدی دارایی‌ها (غیرسهام) در کشورهای OECD



Source: Harding (2013)

جمع‌بندی

مالیات بر عایدی سرمایه با اهداف مختلفی مانند تنظیم فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی، محدود نمودن سوداگری از بازار کالاهای سرمایه‌ای، افزایش منابع عمومی، ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی به کار گرفته می‌شود. این مالیات علاوه بر افزایش منابع عمومی، می‌تواند با کاهش جذابیت فعالیت‌های غیرمولد و کاهش انگیزه‌های سوداگرانه نقش مؤثری در تنظیم بازارهای مختلف از جمله مسکن، خودرو، طلا و ارز ایفا کند.

مبنتی‌بر تجارب کشورهای مختلف مزایای وضع مالیات بر عایدی سرمایه عبارتند از:

- کاهش انگیزه سوداگری و سفته‌بازی فعالیت‌های غیرمولد

- تأمین درآمد دولت

- ارتقای کارایی و جلوگیری از قفل‌شدگی

- ارتقای عدالت افقی و عمودی

- ترغیب بنگاه‌ها به تأمین مالی داخلی

در طراحی پارامترهای مختلف مالیات بر عایدی سرمایه از جمله: نرخ، دارایی‌های مشمول، میزان درآمد مشمول، نحوه تعدیل عایدی نسبت به تورم، معافیت‌ها و... باید توجه نمود که مزایای این پایه مالیاتی که در بالا عنوان شد، حفظ شود. در همین راستا تجربیات کشورهای مختلف در گزارش حاضر ارائه شد. طراحی درست مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند منافع زیادی برای مردم و رشد تولید در کشور شود؛ در مقابل طراحی اشتباه این پایه مالیاتی می‌تواند برای کشور خسارت‌بار باشد. ممکن است قانونگذار صرفاً هدف درآمدی یا صرفاً اثر بازدارندگی این مالیات در برابر سوداگری و یا ترکیبی از این اهداف را با رعایت عدم اخلاص در کارایی اقتصاد مورد توجه قرار دهد. اما تحقق هر یک از این اهداف در گرو ساختار و سازمان‌دهی محورهای اصلی در طراحی این مالیات است.

منابع و مآخذ

۱. آمارهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱، <https://www.cbi.ir/simplelist/1589.aspx>
۲. داده‌ها و اطلاعات آماری مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱، <https://www.amar.org.ir/>
3. Gruber, Jonathan. *Public Finance and Public Policy*, Massachusetts Institute of Technology, Sixth Edition
4. Richard A. Musgrave; Peggy B. Musgrave. *Public Finance in Theory and Practice*, McGraw-Hill Book Company, Fifth Edition
5. OECD (2006), *Taxation of Capital Gains of Individuals: Policy Considerations and Approaches*, OECD Tax Policy Studies, No. 14, OECD Publishing, Paris
6. Harding, M. (2013), *Taxation of Dividend, Interest, and Capital Gain Income*, OECD Taxation Working Papers, No. 19, OECD Publishing, Paris
7. Amatong, J. D. (1968). *Taxation of Capital Gains in Developing Countries*, IMF Staff Papers, 1968(002), A006. Retrieved Jun 11, 2021, from
8. <https://www.oecd.org>
9. <https://www.ey.com>
10. <https://www.deloitte.com>
11. <https://www.irs.gov>
12. <https://home.kpmg>